

Documentary Review of the Activities of Arbab Jamshid Jamshidian's Trading House in the Field of Real Estate Research Samples: Salami and Sedeh villages (1267-1351 A.H./1230-1311 A.H.)

Fouad Pourarian¹
Kazem Meighani³
Received: 8/1/2022

Elham Malekzadeh²
Mohammad BaghaieShirejini⁴
Accepted: 16/8/2022

Abstract

Jamshid Jamshidian (Arbab Jamshid), the first Zoroastrian representative in the National Assembly, was a great merchant and money changer of the late Qajar period. He began his career as a laborer in the sewing industry and gradually became the great and wealthy money changer of his time. Jamshidian's trading house had branches in most of the major cities of Iran and different countries. Due to the size of the Jamshidian exchange activity, this exchange was known as Jamshidian Bank which played a major role in Iran's domestic and global credit as well as financial exchanges. The huge profits from this large volume of trade and exchanges led to Jamshidian's investment in real estate in Tehran and other cities, amounting to 37 settlements throughout Iran. Among them is Jamshidian's property in the villages of Salami and Sedeh.

The present article aims to analyze and explain the ownership of the two regions of Salami and Sedeh by Arbab Jamshid. It then tries to answer the question of ownership and tax issues and how to receive taxes in the two mentioned regions. Unpublished documents from the Jamshidian family and documents from the National Archives of Iran are the main sources of this article. An attempt has been made to answer the above questions in the framework of document research and by using the method of document research in a descriptive-analytical manner after studying the documents as well as considering the existing study gap.

The result of the research indicates that the economic benefits of the region have doubled the value of the property and its productivity, and have made merchants and large money-changers such as Arbab Jamshid eager to invest and own lands in Salami and Sedeh. These decisions took place while the assessment, collection, and follow-up of taxes in the region were disarranged and subject to climatic conditions, depending on the decisions of the rulers and administrators. At the same time, the evolution of tax laws had been irregular and sometimes regressive.

Keywords: Arbab Jamshid, Real Estate, Sedeh, Salami, Qawam al-Saltaneh, Tax

1. Associate Professor, Department of History, Kharazmi University, Corresponding Author
f.pourarian@kh.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Social and Economic History, Iranian History Research Institute, Institute of Humanities and Cultural Studies, elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of History, Kharazmi University, mighani@kha.ac.ir

4. PhD student in history of Kharazmi University, baghaie4373@yahoo.com

مقاله علمی - پژوهشی

روایت اسنادی فعالیت‌های تجارتخانه ارباب جمشید جمشیدیان در حوزه املاک

نمونه‌پژوهی: روستاهای سلامی و سده (۱۲۶۷-۱۳۵۱ ق. / ۱۲۳۰-۱۳۱۱ ش.)

الهام ملک‌زاده^۲

محمد بقایی شیرجینی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

فواد پورآرین^۱

کاظم میقانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۶، شماره ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_154878.html

چکیده

جمشید جمشیدیان (ارباب جمشید)، اولین نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، تاجر و صراف بزرگ اواخر قاجار بود. وی کار خود را با کارگری در بزازی شروع کرد و به تدریج صراف بزرگ و ثروتمند عصر خود شد. تجارتخانه جمشیدیان در اکثر شهرهای بزرگ ایران و کشورهای مختلف شعبه داشت. به دلیل وسعت فعالیت صرافی جمشیدیان، به بانک جمشیدی هم مشهور بود. جمشیدیان نقش عمده‌ای در مبادلات داخلی و بین‌المللی اعتباری و مالی ایران ایفا کرد. منافع عمده حاصل از این حجم وسیع مبادلات تجاری و صرافی، به سرمایه‌گذاری جمشیدیان در عرصه املاک و مستغلات در تهران و سایر شهرها، بالغ بر ۳۷ آبادی در سراسر ایران انجامید؛ از آن جمله، املاک جمشیدیان در روستاهای سلامی و سده بود.

مقاله حاضر، با هدف تحلیل و تبیین نحوه مالکیت دو منطقه سلامی و سده توسط ارباب جمشید و پس از آن، بر آن است به چگونگی مالکیت و مسائل مالیاتی و نحوه اخذ مالیات دو منطقه مذکور پاسخ دهد. اسناد منتشر نشده خانواده جمشیدیان و اسناد آرشیو ملی ایران، منابع اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد که در چهارچوب سندپژوهی و با بهره‌گیری از روش تحقیق اسنادی

f.pourarian@kh.ac.ir

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول

۲. استادیار گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشکده تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

mighani@kha.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

baghaie4373@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خوارزمی

با شیوه توصیفی. تحلیلی پس از استنساخ، مطالعه و بررسی اسناد و با توجه به خلأ مطالعاتی موجود، تلاش شده است به سؤالات فوق پاسخ داده شود.

دستاورد پژوهش حاکی از این است که منافع اقتصادی مترتب بر منطقه، ارزش ملکی و محصول‌آوری آن را دوچندان کرده و تاجر و صراف بزرگی چون ارباب جمشید را مشتاق به سرمایه‌گذاری و مالکیت اراضی سلامی و سده نموده است. این در حالی بود که تعیین، دریافت و پیگیری مالیات منطقه، مغشوش و تابع شرایط اقلیمی و بسته به تصمیم حاکمان و مباشران بود. ضمن اینکه تحولات و سیر قوانین مالیات‌بردرآمد، نامنظم و بعضاً سیر قهقرایی طی کرده است.

واژه‌های کلیدی: ارباب جمشید، املاک، سده، سلامی، قوام‌السلطنه، مالیات.

مقدمه

جمشید جمشیدیان پسر بهمن، معروف به ارباب جمشید، صاحب تجارتخانه جمشیدیان، از ملاکان و صرافان ثروتمند و معروف اواخر حکومت ناصرالدین شاه و دوره مظفری، اولین نماینده اقلیت در مجلس شورای ملی (بامداد، ج ۱، ۱۳۶۳: ۲۸۰) و یکی از پیشنهاددهندگان تأسیس بانک ملی ایران بود. تجارتخانه جمشیدیان انواع عملیات صرافی متداول آن روز را انجام می‌داد و با اعطای اعتبارات کوتاه‌مدت و بلندمدت، برای مشتریان خود تسهیلات مالی فراهم و از این طریق نقشی در توسعه اقتصاد کشور ایفا می‌کرد. تجارتخانه جمشیدیان برای دو دهه، از رونق بسزایی برخوردار بود. نمایندگی‌هایی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای دیگر همچون بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس داشت (جهانشاهی، ۱۳۳۷: ۵۱-۵۲؛ اوشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸؛ شهردان، ۱۳۶۳: ۴۳۳؛ رنجبر عمرانی، ج ۱۰، ۱۳۸۵: ۶۷۸).

تعداد املاک و رقبات ملکی وی را حدود ۳۷ روستا در نقاط مختلف ایران نوشته‌اند (ساکما^۱، سند شماره ۲۴۰۰۲۶۲۳۳/۸۱). از مهم‌ترین املاک وی در تهران می‌توان پارک اتابک، محل کنونی سفارت روسیه، املاک جلالیه تهران و محله جمشید یا خیابان جمالزاده که از امیرآباد تا باغ شاه امتداد داشت را نام برد. در حالی که مطالبات فراوانی از مردم داشت، با اعمال فشار سفارت

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

روس جهت وصول طلب بانک استقراضی روس، امکان تبدیل اموال منقول به غیرمنقول را از دست داد؛ چراکه دارایی‌هایش توقیف شد. سفارت انگلیس نیز از هر اقدامی با هدف ایجاد محدودیت، به بهانه دفاع از اتباع ایرانی خود و ایجاد زمینه برای انحصار بانک شاهی، فروگذار نکرد. با این وضعیت، ارباب جمشید از اداره تجارتخانه خود عاجز ماند که نهایتاً این عوامل به دگرگون شدن وضعیت زندگی، ضبط مایملک، نقدینگی و مال التجاره وی منجر شد (اوشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸).

اوضاع نابسامان اقتصادی، خشکسالی، ناامنی در کشور، همراه با انواع دسیسه‌های صرافان و تجار رقیب، مزید بر علت، دست بانک دولت‌های روس و انگلیس را برای بستن بنگاه بازرگانی جمشیدیان باز کرد و بدین ترتیب، بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی و بانکداری ایرانی (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۳۲) در رقابت با بانک شاهی و بانک استقراضی روس، در سال ۱۳۳۱ ق. ورشکست شد. در این شرایط از سوی دولت و به نام جمشیدیان، از تاریخ بیست شهریور ۱۳۰۶ ش. مقرر می‌شود که ماهانه ۱۲۰ تومان (۱۲۰۰ قران) به‌عنوان مدد معاش تعیین شد (ساکما، سند شماره ۸۸ و ۸۹/۲۴۰۰۲۶۲۳۳).

برقراری مقرری، هرچند دارای مصوبه‌ای مشخص بود؛ اما در مقام اجرا، نامنظم پرداخت می‌شد (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۶۲۳۳/۹۶) و یا پرداخت آن را موکول به وصول مطالبات از املاک ضبطی ارباب جمشید می‌کردند. از جمله املاکی که مصدر مکاتبات متعدد میان نهادهای تصمیم‌گیر و مالیه بود، روستاهای سلامی و سده در خراسان بودند که در زمره املاک تجارتخانه جمشیدیان قرار داشتند و بر اساس میزان درآمد آن‌ها، "مدد معاش" ارباب جمشید پرداخت می‌شد (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵ و ۲۴۰۰۲۶۲۳۳). به این دلیل تحت عنوان "دوسیه مالیات وصولی سده (سده) و سلامی واقع در خراسان" مکاتباتی متعدد برجای مانده است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۶۲۳۳/۱۹۳).

پیشینه پژوهش

در خصوص دو روستای سده و سلامی اطلاعات مختصر و پراکنده‌ای در تاریخ‌های محلی وجود دارد؛ اما در هیچ یک از این منابع، اشاره‌ای به موضوع پژوهش کنونی با محوریت املاک و مالیات نشده است. با این وجود در زمره آخرین جستجوهای که در این مورد به عمل آمده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در ویژه‌نامه‌ای از نشریه پاژ که به همت مؤسسه فرهنگی-هنری خردسرای فردوسی در شماره بهار و تابستان ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است، سلسله گزارش‌هایی از هدف‌های گردشگری یک‌روزه و چندروزه از مناطق مختلف خراسان معرفی شده است که ذیل یکی از این مناطق، در سه صفحه اشاراتی مختصر به موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی سلامی شده است. اطلاعات دیگری در این خصوص در این مدخل دیده نمی‌شود و صرفاً یکی از بناهای تاریخی با نام کوشک سلامه را معرفی اجمالی کرده است. سجاسی قیداری، مهدوی فر و رجبی جنبه‌دراز (۱۳۹۳: ۵۷-۶۹) در مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «اولویت‌بندی ایجاد تشکل‌های آب برای کشاورزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان سلامی شهرستان خواف)»، به بهره‌بردای بی‌رویه از منابع آب و کاهش سطح آب زیرزمینی و تبعات حاصل از عملکرد اشتباه و مکانیزه‌نبودن کشاورزی این منطقه پرداخته‌اند. در همین بررسی و برای برون‌رفت از معضلات عدیده‌ای که از این رهگذر بر روش‌های سنتی و افت سطح آب منطقه حاکم است نیز به ارائه پیشنهادات عملیاتی بر اساس مدل مجموع ساده وزنی تأکید داشته‌اند.

با توجه به سوابق پژوهش، مقاله حاضر از نظر محتوایی، پیوندی با آثار مشابه ندارد و موضوع جدیدی را در حیطه مباحث تاریخی دنبال می‌کند.

مروری بر وضعیت روستاهای سلامی و سده

سده (سه ده)

سده شهری از توابع بخش سلامی شهرستان خواف استان خراسان رضوی است. در ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ براساس مصوبه هیئت وزیران، روستای سده به شهر ارتقا یافت^۱ (تغییرات تقسیماتی استان خراسان رضوی، پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور). این شهر جدید در همه منابع به‌عنوان روستا معرفی شده‌است؛ بنابراین و با آگاهی از مصوبه اخیر و ارتقا به‌عنوان شهر، در این مطلب و براساس اسناد با شهرت تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به هر تقدیر، قدمت آبادی بیش از دو قرن است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان رضوی، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

وجه تمایز سده یا سه ده

به‌دلیل پیوستگی سه آبادی مجاور، به این نام مشهور شده است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان رضوی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). این نام در اسناد و در سال‌های مختلف به هر دو صورت و کنار هم نوشته شده است (اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۶۰/۴؛ ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۱۶۹). در سند اخیر کاملاً جدا (سه ده) نوشته شده است. در نامه اشرف دولو قوامی، همسر قوام‌السلطنه به اداره کل عایدات در تاریخ ۱۳۰۶/۲/۱ ش.، قریه سده نوشته‌اند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۴۴)؛ بنابراین در همه اسنادی که مربوط به سده است هر دو صورت را استفاده کرده‌اند.

موقعیت جغرافیایی

سده در طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۵۳ دقیقه و عرض جغرافیایی ۴۴ درجه و ۵۰ دقیقه قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۸۸۰ متر و در ۳۷ کیلومتری شمال غرب خواف واقع شده است. از امتیازات سده رودخانه دائمی آن است که از ارتفاعات خیرآباد سرچشمه گرفته و در مجاورت

۱. هیئت وزیران در جلسه ۱۴۰۰/۲/۲۲ به پیشنهاد شماره ۱۳۳۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۷/۷/۶ وزارت کشور و به استناد ماده (۱۳) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری - مصوب ۱۳۶۲ - تصویب کرد: روستای سده دهستان بالا خواف بخش سلامی شهرستان خواف استان خراسان رضوی، به شهر تبدیل و به عنوان شهر سده شناخته می‌شود (https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/۱۶۶۰۴۲۸).

شمال آبادی جریان دارد (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان رضوی، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

سلامی

شهر سلامی که تا دهه هشتاد قریه سلامی بود (ساکما، پرونده ۲۳۸۶۵-۲۴۰۰) به‌عنوان بخش و دهستان سلامی از شهرستان خواف در مختصات جغرافیایی ۵۹ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۶۰ متر (جعفری، ۱۳۸۲: ۹؛ زنگنه قاسم‌آبادی، ۱۳۷۰: ۲۱۸؛ فرهنگ جغرافیایی ایران^۱ "خراسان"، ۱۳۸۰: ۵۶۱) و مساحت آن حدود ۱۶۳ هکتار است^۲. سلامی در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان مرکز بخش انتخاب و بخشداری آن ایجاد شد. در سال ۱۳۸۳ ش. این مرکز به‌عنوان منطقه شهری مصوب و دارای شهرداری شد. سلامی در فاصله ۲۰ کیلومتری شمال غرب شهر خواف و در مسیر جاده خواف به تایباد و تربت حیدریه واقع است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان رضوی، ۱۳۸۹: ۹۵؛ زنگنه قاسم‌آبادی، ۱۳۷۰: ۲۱۸).

وجه تسمیه سلامی

روستای پیشین و شهر فعلی سلامی، در منابع تاریخی با نام‌های مختلفی آمده و منابع محلی (احراری رودی، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۸ و ۱۰۰-۱۰۲؛ خسروی، ۱۳۶۶: ۱۴۷ و ۳۷۳-۳۸۰؛ زنگنه قاسم‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۸-۲۳۵؛ جعفری، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۵) به طرق مختلف این نام را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱. این فرهنگ جغرافیایی مختصات جغرافیایی سلامی را ۵۹ درجه و ۵۲ دقیقه و ۵ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض جغرافیایی نوشته است. فرهنگ مذکور که ترجمه جلد اول از مجموعه پنج‌جلدی (*Gazetteer of Persia*) است در سال ۱۹۱۰ م. / ۱۲۸۹ ش. توسط ستاد فرماندهی وزارت جنگ بریتانیا مستقر در هندوستان تهیه و در چاپخانه Monotype دولتی بریتانیا چاپ و با ذکر کلمه Confidential (کاملاً سری) منتشر شده است و فقط در اختیار سفیران، کنسول‌ها و مقامات درجه اول سیاسی و نظامی قرار می‌گرفته است. جلد اول مجموعه، کلیه مناطق خراسان امروزی، استان گلستان، نیمه شرقی استان سمنان و ... را دربر می‌گیرد (فرهنگ جغرافیایی ایران "خراسان"، ۱۳۸۰: ۱۳).

۲. مساحت این اراضی را حدود صد هزار هکتار نوشته‌اند که ۶۵ هزار هکتار مربوط به سلامی و ۳۵ هزار هکتار مربوط به سده بوده است (احراری رودی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷).

براساس متون تاریخی، سلامی یا سلومک، قبل از ورود اسلام به ایران وجود داشته است؛ تا جایی که کوشک و بند سلامی را متعلق به دوره ساسانیان می‌دانند. سلامی نامی عربی و مشتق شده از کلمه سلام عربی نیست؛ بلکه واژه‌ای فارسی است. شهر زوزن و سلامی در کتب تاریخی همراه هم به‌عنوان آبادی‌های مشهور ولایت خواف آمده است. قدمت این شهر مثل زوزن به دوره اشکانی و سلوکی می‌رسد (احراری رودی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

در *احسن‌التقاسیم* نوشته شده: «خواف، کوچک و مرکز مویز است، نام شهرش سلومک است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۲۶). در *مسالك و الممالک آن را سلومک* (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۷۰) و در *صوره‌الارض* در اشاره به نیشابور و شمار آبادی‌های آن، این روستای آباد را سلومک نوشته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۸).

فارغ از منابع محلی، در اسناد نیز به اسامی مختلف سلامی توجه کرده‌اند. مفتش مالیاتی خراسان و سیستان، میرزا حسنخان، گزارشی^۱ خطاب به پیشکار مالیه خراسان و سیستان و قائنات، در تاریخ ۱۵ تیر تنگوزئیل ۱۳۰۳ ش. تهیه کرده و در قسمت اول، ذیل "وضعیت قریه سلامی" نام سلامی و حدود آن چنین نوشته است: «قریه سلامی که در ازمنه قدیم به اسم سلومیده و بعد متناوباً به اسم سلومیه و بالاخره سلامی شناخته شده از خالصجات انتقالی است. سلامی از طرف شمال محدود است به محال باخرز، از طرف جنوب به رودخانه سنقاب، از طرف

۱. گزارش مذکور از چند جهت قابل توجه است:

- زمان گزارش: در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۰۳ و در زمان مالکیت قوام‌السلطنه نوشته شده است.
- شکل گزارش: این شیوه گزارش‌نویسی در آن تاریخ کم‌نظیر است. اصول گزارش‌نویسی استاندارد و علمی را رعایت کرده است؛ از جمله عنوان، تاریخ، تقسیم‌بندی، تهیه‌کننده، تأییدکننده، موضوع گزارش، گیرنده گزارش، هدف از تهیه گزارش، پاراگراف‌بندی. اگر آیین سجاوندی رعایت می‌شد- که در آن زمان هنوز معمول نبود- نمونه بارز یک گزارش مأموریت مدرن بود.
- روش جمع‌آوری اطلاعات روستا و تحلیل و نتیجه‌گیری از آنها.
- نوشتن موقعیت جغرافیایی سده و سلامی بدون اشاره به دقیقه و درجه و ثانیه.
- به جنگل، باغ‌ها و مراتعی اشاره می‌کند که امروز از مقدار آنها به شدت کاسته شده است.
- سیر مالکیت از امیر قلیچ‌خان تا قوام‌السلطنه را روشن می‌کند «قریه سده تقسیم بر شانزده سهم است که یک سهم آن رعیتی و پانزده سهم دیگر اربابی و متعلق به بخش قوام‌السلطنه است» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۸۱).
- صورت وضعیت اجناس موجود در انبارها (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۸۲).

شرق به اراضی سراب و قصبه‌رود و از طرف مغرب به رودخانه سده و مزرعه سلیمان» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۷۵).

اهمیت و درآمد سلامی و سده (سه ده) در محتوای نامه‌ای از پرونده فوق به تاریخ ۱۳۰۷/۷/۵ ش. با نمره ۲۹۳۹۱ چنین قابل مشاهده است و طی دستوری از وزارت مالیه به یکی از کارکنان به نام میرزا علی‌اکبرخان رفیعی^۱ آمده: «نظر به لزوم روشن‌شدن محاسبه ارباب‌جمشید با دولت و تعیین میزان قطعی بدهی مشارالیه و تشخیص اقداماتی که از بدو مدیونیت او به دولت تاکنون نسبت به قباله‌ها و املاک مشارالیه به عمل آمده، به‌موجب این حکم دستور دارید بلافاصله تمام دوسیه‌های موجود در دوایر و شعب مختلفه وزارت مالیه را دایر بر املاک و بدهی ارباب‌جمشید به دقت مطالعه کرده، خلاصه صریح و روشن هر یک را دایر بر جریان عمل جداگانه تهیه و سپس از روی آن‌ها راپورت کامل و جامع نهایی تنظیم و جهت استحضار وزارتخانه ارسال کنید»؛ سپس ضمن تأکید بر بررسی همه پرونده‌ها، شش پرونده یا سابقه را توصیه اکید می‌کند. یکی از آن‌ها: «دوسیه مالیات وصولی سه ده (سده) و سلامی واقع در خراسان» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۶۲۳۳/۱۹۳) بود. تمایز این دو روستا از املاک دیگر اهمیت املاک و میزان درآمد آن‌ها را در زمان مذکور نشان می‌دهد و به دلیل ارزش املاک و درآمدزا بودن آن‌ها مورد توجه ارباب‌جمشید صراف و بانکدار یا مباشرین تجارتخانه قرار گرفته بودند.

ارباب‌جمشید و مالکیت بر سلامی و سده

جمشیدیان فعالیت‌های خود را از سنین پایین در تجارتخانه ارباب‌رستم مهربان در بروجرد شروع کرد. پس از کسب تجربه و ورزیدگی در امر بازرگانی و تجارت به خواست ارباب‌رستم به تهران رفت و به مدت ۷ سال اداره شعبه تجارتخانه ارباب مذکور را در بازار تهران و در سرای مشیرخلوت برعهده گرفت (امینی، ۱۳۸۰: ۹۱، شهردان، ۱۳۶۳: ۴۳۳، نمیرانیان، ۱۳۸۲: ۳۶۸). پس از تسویه با ارباب‌مهربان و دریافت انعامی مناسب از ملک و نقد (زارع، بی‌تا: ج ۲، ۱۲۶)،

۱. این کارمند منتظر خدمت که وظیفه تهیه گزارش جامع به او محول شده بود از کارمندان اداره کل عایدات داخلی بوده است. همچنین در دی ماه سال ۱۳۰۷ گزارش جامعی در ۵۵ صفحه خطاب به وزارت مالیه تهیه کرده است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۶۰ تا ۲۴۰۰۲۳۸۶۵۱/۴۷).

تجارتخانه‌ای را با نام "تجارتخانه جمشیدیان" تأسیس و آن را مرکز فعالیت‌های بازرگانی و صرافی خود قرار داد (نمیرانیان، ۱۳۸۲: ۳۶۸). آغاز فعالیت مستقل تجارتخانه جمشیدیان به سال ۱۳۱۰ق. برمی‌گردد. ۲ سال پس از این تاریخ در سال ۱۳۱۲ق. دو شعبه صرافی و املاک در تجارتخانه‌ی جمشیدیان افتتاح شد (زارع، بی‌تا: ج ۲، ۱۲۳، ۱۲۶ و ۱۲۷).

کار تجارتخانه جمشیدیان به واسطه اعتبار و نفوذی که در بین مردم و درباریان کسب کرده بود، به مدت حدود دو دهه (۱۳۱۲-۱۳۳۱ق.) رونق بسزایی کسب کرد و در شهرهای مختلف ایران و کشورهای دیگر نمایندگی فعال داشت (جهانشاهی، ۱۳۳۷: ۵۱-۵۲). ارباب جمشید، علاوه بر تجارت، بازرگانی و صرافی، به کارهای ملکداری هم توجه داشت و آن را گسترش داد.

اولین رئیس بخش املاک تجارتخانه، اردشیر زارع بود. سپس شمس‌الدین جلالی ملقب به فطن‌الملک، رئیس اداره ملکی تجارتخانه جمشیدیان بود (عاقلی، ۱۳۹۹: ج ۱، ۲۱۹) که به واسطه فعالیت و مسئولیت امور ملکی تجارتخانه جمشیدیان، اطلاعات ملکی خوبی در خاطرات خود نوشته است؛ هم او به فعالیت‌های غیرتجاری، صرافی و بازرگانی ارباب جمشید، همچون امانت-فروشی و کارپردازی برای حکام ولایات و رسیدگی به امور مالی گمرکی نیز اشاره کرده است (زارع، بی‌تا: ج ۲، ۱۲۶). فلسفه تشکیل شعبه ملکی تجارتخانه جمشیدیان، غیر از سودآور بودن املاک در آن برهه که جهانشاهی (۱۳۳۷: ۵۱) هم به آن تأکید دارد، ضمانت وام‌های کلانی بود که بیشتر وقت‌ها املاک یا عمارت‌هایی را به عنوان تضمین می‌پذیرفت. بیشتر زمین‌هایی که در اختیار تجارتخانه بودند به صورت بیع شرط^۱ واگذار شده بودند (زارع، بی‌تا: ج ۲، ۱۲۶-۱۲۷). وقتی صاحب ملک از عهده ضمانت بر نمی‌آمد، املاک به تصاحب تجارتخانه جمشیدیان درمی‌آمد. پس از ورشکستگی تجارتخانه جمشیدیان در سال ۱۳۳۱ق. یکی از دلایل شکست او را تبدیل نقدینگی بانک به اموال غیر منقول چون املاک می‌دانند (فاتح، ۱۳۰۹: ۳۲۱؛ قدک، ۱۳۸۴: ۲۴۳)؛ این در حالی است که در دوره فعالیت تجارتخانه جمشیدیان طی سال‌های (۱۳۱۲-۱۳۳۰ق.) خرید املاک، بویژه در تهران از کارهای بازرگانی پرسود به شمار می‌رفت (جهانشاهی، ۱۳۳۷: ۵۱)؛ بنابراین با گسترش فعالیت تجارتخانه، به زودی ارباب جمشید صاحب

۱. فروش کالا با شرط حق فسخ فروشنده در مدتی معین.

املاک پرشمار و اراضی وسیع در تهران و دیگر مناطق کشور شد (تازه، بی‌تا: ۸). در شهرها و روستاهای مختلف خراسان نیز املاکی را خریده بود. سده و سلامی جزو املاک خراسانی ارباب-جمشید بودند. در مجموعه اسناد اهدایی خانواده جمشیدیان، تعداد ۷۹۰ صفحه اسناد مالکیت و خرید و فروش انواع زمین، باغ، مغازه، خانه و روستاهای متعدد وجود دارد. در این مجموعه کثیر که وسعت املاک و مستغلات او را نشان می‌دهد، سندی وجود دارد که نشان می‌دهد ارباب-جمشید در سال ۱۳۲۶ق. سه دانگ سلامی را از سعیدالسلطنه خریداری کرده بود (اسنادخانواده جمشیدیان، فایل ۷، ص ۱۷۰، اسناد: ۱۱ و ۹). غیر از اسناد خانوادگی، گزارش مفصلی در آرشیو ملی ایران موجود است که تاریخ ۱۳۰۷ش. را دارد. نویسنده گزارش، موضوع آن را «املاکی که در رهن بانک شاهی بوده‌است؛ همچنین معاملاتی که راجع به آن‌ها شده است» نوشته است. بررسی نشان می‌دهد محتوای پرونده غیر از رهن بودن املاک، موضوع‌های مختلفی چون مالکیت سلامی و سده و مقدار مالیات اخذشده در خلال تاریخ‌های مورد بحث را نیز دارد. این اسناد غیر از موضوعات فوق، مالکیت روستاهای مذکور را نیز روشن می‌کند. در صفحه ۲۰ گزارش مربوط، ذیل سلامی خوفاً نوشته است: «این املاک را ارباب جمشید قبل از تصرف دولت اجاره داده بود. دولت هم از سال ۱۲۹۴ش. اقدام به وصول عایدات آن کرد تا آبان ۱۲۹۷ش. ارباب جمشید در تاریخ ۱۲۹۸ سلامی را به آقای قوام‌السلطنه فروخت و از آن تاریخ تاکنون [۱۳۰۷ش.] در تصرف کارکنان معزی‌الیه است؛ ولی قباله خریداری قریه مزبور هنوز به‌عنوان وثیقه در نزد آقای خسروخان افخمی ضبط می‌باشد» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۲۰). سندی دیگر وجود دارد و تاریخ آن قبل از تاریخ ۱۳۰۷ش است، سند فوق که تلگرافی است از پیشکار مالیه مشهد به وزارت مالیه در تهران، تاریخ ۸ فروردین ۱۲۹۹ را دارد و نشان می‌دهد: «... سلامی واقع در خوفاً از لوی‌ئیل تا آخر اسفند یونت ئیل در تصرف اداره مالیه بوده است» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۳۶)؛ بنابراین اسناد روشن می‌کنند از تاریخ ۱۳۲۶ق. تا ۱۳۳۸ق. صاحبان و اربابان این روستاها چه کسانی بوده‌اند.

پس از روشن شدن وضعیت مالکیت سلامی و سده، مالیات این املاک و مقدار و نحوه وصول و ایصال آن از دیگر موضوعاتی است که اسناد روشن می‌کنند. نامه‌ای دست‌نویس با جوهر آبی، بدون تاریخ و شماره و عنوان وجود دارد و در تأکید بر صحت مالیات مقرر بر ارباب جمشید در

خصوص روستاهای سلامی و سده، اطلاعات بیشتری را در باره مالیات منطقه روشن کرده است. اساساً بیشتر مکاتبات در چند پرونده و با ده‌ها برگ سند که به موضوع سلامی و سده پرداخته‌اند؛ شکایت از میزان مالیات، پاسخ به شکایت‌ها، بررسی درباره مالیات و میزان آن بوده است؛ از جمله سند شماره ۲۲۰ که نوشته است: «قریه سلامی از خالصجات انتقالی است که اخیراً متعلق به ارباب جمشید [بوده است] و پس از تسویه قروض بانک به مشارالیه واگذار [گردید] و فعلاً متعلق به آقای قوام‌السلطنه می‌باشد» (ساکما، سند شماره ۲۲۰ / ۲۳۸۶۵-۲۴۰۰). سپس به شکایت مالکین اشاره کرده است؛ همان دلیلی که ارباب جمشید پس از آنکه سلامی و سده دست به دست شد، اول در قبال بدهی ارباب جمشید بانک آن را تصاحب کرد و بعد دولت با قبول و تعهد پرداخت قرض‌های ارباب جمشید، اداره امور آن را به دست گرفت و بعد به قوام‌السلطنه واگذار شد. میزان مالیات مقرر در دوره مالکیت قوام که نسبت به دوره ارباب جمشید کاهش داشته است، موجب طرح شکایت ارباب جمشید شده بود: «... نظر به شکایتی که مالکین از کسر عمل آنجا می‌نمودند در زمان تملک آقای قوام‌السلطنه بدون اینکه به فرمان انتقال مراجعه و معلوم شود قریه مزبوره مشمول کدام یک از مواد تصویب نامه است، به استناد داشتن سابقه شکایت قبل از ثور اودئیل مالیات آنجا حسب‌الحکم نمره ۱۱۴۷۶ [تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۰۰] از قرار نصف عایدات متوسطه سه سال اخیر مقرر گردید. بعد که موضوع تسویه حساب ارباب جمشید به میان آمده [است] مشارالیه تقاضا نموده است مالیات سنوات مالکیت او هم از قرار نصف عایدات محسوب شود» (ساکما، سند شماره ۲۲۰ / ۲۳۸۶۵-۲۴۰۰). این نامه دلیل ورود مجدد ارباب جمشید به موضوع سلامی و سده را معلوم می‌کند؛ چون در این تاریخ املاک ارباب جمشید در توقیف دولت بود. در واقع اعتراض به میزان مالیات مقرر به املاک سده و سلامی در دوره مالکیت و اربابی قوام-السلطنه بوده است: «... حال که فرمان انتقال به دست آمده است، معلوم می‌شود قریه سلامی چون دارای تسعیر^۱ فرمانی است تنصیف عایدات آنجا اساساً مورد نداشته و باید ماده اول تصویب‌نامه

۱. تسعیر به معنی بها و ارزش چیزی را تعیین کردن یا نرخ گذاشتن است. نمایندگان مجلس شورای ملی در روز سه شنبه ۵ فروردین ۱۲۸۶ درباره تسعیر جنس مذاکراتی داشتند؛ از جمله میرزا حسین حیب از نارضایتی مردم الموت سخن گفته است: «... ارباب ما جنس را با دیوان تسعیر کرده، چهار تومان و خرواری ۲۰ تومان می‌فروشند». وثوق‌الدوله هم می‌گوید: «... این مسئله تسعیر جنس خیلی عمل غلطی است. گمانم این است که کسی تردیدی در موقوفی آن نداشته باشد». در نهایت تصویب می‌کنند: «تسعیر جنس دیوانی از سال ۱۲۸۶ ش. موقوف باشد».

را درباره آن مشمول داشت» (ساکما، سند شماره ۲۲۰/۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). از همین اسناد نوع رفتار متفاوت مأموران و تبعیض مقدار مالیاتی قابل درک است.

چیزی که هست و از فحوای اسناد استنباط می‌شود، اسناد و مدارک در ادارات از نظم و انضباط خاصی برخوردار نبودند و تنظیم اسناد براساس موضوع پرونده‌ها در ادارات، بویژه شهرستان‌ها مطلوب نبوده است. در این اسناد برای دریافت سوابق مالیاتی افراد و املاک، مرتب درخواست سوابق شده است. خیلی جواب روشنی هم دریافت نمی‌شود. مصداق این نظر، نامه ارباب جمشید به ریاست کل مالیات مستقیم است که در آن مقدار مالیات چند روستا از جمله سلامی و سده در خراسان را درخواست کرده است: «که سابقاً ملک حقیر بوده در باب تعیین مالیات آن دو نقطه تقاضا کرده بودم و گویا تعیین و معلوم شده است، متمنی هستم صورت آن را به حقیر مرحمت فرمایید» (ساکما، سند شماره ۱۷۵/۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). به نظر در ایران دوره قاجار تحولات و سیر قوانین مالیات‌بردآمد نامنظم بوده و گاهی هم سیر قهقرایی داشته است (هروی، ۱۳۳۳: ۱)؛ نمونه‌اش تفاوت میزان مالیات از یک ملک یا روستایی در زمان ارباب جمشید و زمان قوام‌السلطنه است. در سندی دیگر و در حاشیه آن نوشته است: «از زمان تصرف ارباب جمشید چیزی باقی نیست؛ ولی راجع به سلامی، چون در دوسیه امر سنوات تصرف ارباب جمشید و بقایای قریه سلامی معلوم نشد؛ لذا از مالیه محل استعلام گردد» (ساکما، سند شماره ۱۷/۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). به این دلایل است که کتاب *تاریخ تطور سیستم مالیاتی* از قول شوستر نوشته است: «در این دوره، دولت به کلی از مأخذ کل صحیح مالیات هر محل که در عرض سال چه باید وصول شود، بی‌اطلاع می‌باشد» (احمدی، ۱۳۵۰: ۱۰۹). عیسوی (۱۳۶۹: ۵۲۶) هم در بحث مالیه و مالیه عمومی، «سیستم درآمد عمومی ایران را، نظیر جوامع ماقبل صنعتی همراه با تاریخ طولانی و پرماجرا، بسیار پیچیده و متغیر نوشته است»؛ بنابراین در اسناد موجود از بایگانی‌های ادارات و مکاتبات دولتی، چنین مکاتبات و بی‌نظمی در امور مالیاتی مشهود و بارها تکرار شده است و نوعی پریشانی در امور ملکی و مالیاتی را نشان می‌دهد. با این حال مراجعه به آرشیوها و مراکز اسنادی است که خلاءهای اطلاعاتی منابع تاریخی، بویژه تاریخ‌های محلی را پوشش می‌دهد و تکمیل می‌کند.

مجموع اطلاعاتی که از اسناد استنباط می‌شود، نشان می‌دهد اسناد مالکیت املاک سده و سلامی به‌عنوان وثیقه در اختیار بانک بوده است. صفحه ۴ گزارش مفصلی که در سال ۱۳۰۷ ش. تهیه شده است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳)، حساب و کتاب ارباب جمشید یا طبق اسناد "محاسبات ارباب جمشید" و بررسی دین و مطالبات از دولت یا افراد متفرقه و قرض او به افراد مختلف، از جمله بانک‌های شاهی و استقراضی را نوشته است. در قسمت دوم گزارش مذکور ذیل "قروض ارباب جمشید به بانک شاهی"، مسیو لولو، خزانه‌دار کل به تاریخ ۳۱ آبان ۱۲۹۳ گزارشی از بدهی ارباب جمشید داده است و از میزان وامی که دریافت کرده، نوشته است. طبق این گزارش در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ مبلغ ۱۸۰۴۶۳۶۸۰ قران به بانک شاهی مقروض می‌شود. در مقابل این قرض و ربح شش درصدی آن، ارباب جمشید قباله‌های املاک زیادی، از جمله سلامی خواف را به مبلغ ۴۰۰۰۰۰ قران به وثیقه گذاشته بود (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۴).

ویژگی‌ها و امتیازات سلامی وسده

جذابیت‌های این دو شهر امروزه به لطف تکنولوژی و فعالیت‌های گروه‌های گردشگری و دوستداران آن منطقه برای علاقه‌مندان به‌راحتی قابل دستیابی و در معرض دید قرار دارد. کافی است نام این دو منطقه در فضای مجازی جست‌وجو شود. از شعر ایرج میرزا «گفتگویی از قوام-السلطنه مالک سلامی وسده با پیشکارش» تا عکس‌های زیبای سد سلامی، قابل دستیابی است. از آنجا که این مقاله در صدد بررسی ویژگی‌های مذکور براساس اسناد و مدارک تازه‌یاب آرشیوی و اسناد خانواده جمشیدیان است، اهمیت این اطلاعات زمانی نمایان می‌شود که اسناد و مکاتبات ادارات مختلف، برای مالیات و دریافت آن و سایر موضوعات مربوط به منطقه مورد بررسی قرار گیرد و ویژگی‌های اقتصادی این دو روستا هم در بحث مقدار مالیات دریافت‌شده یا مورد انتظار از اسناد و یادداشت‌های مکاتبه‌شده، استنباط می‌شود؛ از آن جمله نامه‌ای است که نشان می‌دهد سلامی از خالصجات انتقالی است و مدتی در اختیار ارباب جمشید بوده است: «... و چند سال قبل دولت در مقابل طلب بانک ضبط و پس از تسویه قروض بانک به مشارالیه واگذار و فعلاً متعلق به آقای قوام‌السلطنه می‌باشد» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۲۲۰). در دوره قوام طی حکمی با شماره ۱۴۷۶ و تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۰۰ از قرار نصف عایدات متوسطه سه‌ساله را در دو هزار

تومان نقد تشخیص و دستور وصول داده است (همان). ارباب جمشید از مقدار مالیات آگاه شده و تقاضا می‌دهد: «مالیات سنوات مالکیت او هم از قرار نصف عایدات محسوب شود»^۱ (ساکما، پرونده ۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). این اعتراض و شکایت، نامه‌نگاری‌های متعددی را به دنبال داشته است. اساساً عنوان پرونده ۳۱۳ برگی: «شکایت قوام‌السلطنه و ارباب جمشید از بالا بودن مالیات املاک آن‌ها و مکاتبات وزارت مالیه در این خصوص» حکایت دارد (ساکما، سند شماره ۱/۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). برای پایان دادن به این شکایت‌ها و مهم‌تر از همه وصول مالیات سلامی و سده، از ماک کوماک^۲ رئیس اداره عایدات خراسان و سیستان درباره مالیات، مقدار آن سؤال می‌شود. در تلگرافی از مشهد به تهران، خطاب به میلیسپو می‌نویسد: «اولاً تاکنون از بقایا و مالیات تنگوزئیل سلامی و سده چیزی وصول نشده، محصول آنجا توقیف است. ثانیاً میزان عواید ۱۳۰۲ [ش.م] معلوم نیست، به خصوص امسال با نظارت مالیه برداشت می‌شود و میزان عواید حقیقی را به عرض می‌رساند» (ساکما، سند شماره ۳۹/۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). در توضیح بیشتر و برای توجیه لزوم دریافت همه مالیات مقرر از حاصلخیزی و مرغوبیت سلامی و سده می‌نویسد: «که سلامی و سده از املاک مرغوب [است] و مطابق تعهدنامه [باید] آقای قوام‌السلطنه منال دیوانی را تماماً بپردازد» (ساکما، پرونده ۲۳۸۶۵/۲۴۰۰)؛ بنابراین درحالی که ارباب جمشید به دنبال ممری برای کاهش بار بدهی خود بوده است و انتظار داشت مثل دوره اربابی قوام‌السلطنه مالیات دوره او هم محاسبه شود، مأمورین مالیاتی هم بر موقعیت ممتاز منطقه تأکید و بردرآمد خوب آن‌ها اشاره کرده‌اند و از لزوم اخذ تمامی مالیات مقرر نوشته‌اند. این است که باز تلگرافی از مشهد به تهران، نمره قبض ۲۷۱۲۹ نمره تلگراف ۶۸ به تاریخ ۷ مهر ۱۳۰۳ نوشته‌اند و خطاب به وزارت مالیه درباره سلامی و سده باز از استعداد و حاصلخیزی آن‌ها می‌نویسد: «... به عقیده این اداره، املاک مزبور استعداد پرداخت

۱. ارباب جمشید که دارای ثروت زیاد و املاک گسترده در ایران دوره قاجار بود و تجارخانه او هم دارای اعتبار و مورد وثوق اکثر بزرگان و درباریان و علما بود. حجم معاملات او گسترده و صرافخانه جمشیدی را در پاره‌ای منابع، بانک جمشیدی نوشته‌اند. صاحب چنان ثروت و شهرتی پس از انقلاب مشروطیت و اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران پس از جنگ جهانی اول، به ویژه رقابت ناسالم بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روسیه و دلایل دیگر، ورشکست شد و اموال و املاک تجارخانه جمشیدیان را دولت در قبال تعهد پرداخت قرض‌های ارباب جمشید به بانک‌ها و افراد دیگر ضبط کرد. پس از آن، ارباب جمشید از هر ملک یا طلبی که امکان درآمدی از آن می‌رفت با دستگاه‌های دولتی مکاتبه می‌کرد. طرح موضوع املاک سلامی هم در این راستا و با انتظار محاسبه مجدد مالیات و دریافت مابه‌التفاوت صورت گرفته بود.

2. Colonel MaccoMak

تمام منال تعیین شده را دارند و مالیات آن‌ها زیاد بسته نشده است» (ساکما، سند شماره ۴۰ و ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۳۰۶).

اسناد، یکی از موثق‌ترین و بی‌طرفانه‌ترین منابع پژوهشی هستند؛ در نتیجه این اسناد و پیشینه‌های مالیاتی درباره ارباب جمشید و هرکس یا موضوعی، بی‌طرفانه تاریخ اقتصادی و فرهنگی و دیگر مسائل ناروشن منطقه را منعکس می‌کنند. اسناد برای انجام امری اداری در زمان رویداد نوشته شده‌اند و نویسنده بدون آگاهی از نقش و تأثیر آن در آینده، اطلاعاتی را تولید کرده است. در واقع نویسندگان هر یک از نامه‌ها، کار اداری خود را انجام می‌داده‌اند و در تولید آن‌ها هیچ حب و بغضی، جز وظایف اداری دخالت نداشته است. بدین لحاظ این اطلاعات خام و دست اول، مکمل اطلاعات سایر منابع بوده و با مقایسه اطلاعات منابع مختلف، روشنگر بسیاری از مسائل منطقه خواهد بود.

در پاسخ به کاهش مالیات و توضیح دلایل آن، گزارشگر به دفاع از مقدار مالیات پرداخته، دلیل آن را حاصلخیزی اراضی سده و سلامی نوشته است: «... سلامی و سده دارای اراضی حاصلخیز و وضعیت و موقعیت مرغوبی است که در صورت مزید توجه مالک و داشتن آب، استعداد پرداخت مقدار تعیین شده را خواهد داشت» (ساکما، سند شماره ۲۳ / ۲۴۰۰۲۳۸۶۵) و البته راه‌هایی برای تأمین آب پیشنهاد می‌دهد که لازمه آن صرف هزینه زیاد بود که در زمان مورد نظر، منطقه فاقد چنین بودجه‌ای بوده است.

در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۰۲ میرزا حسن خان، مفتش اداره مالیه ایالتی به منظور تعیین میزان عایدات و تحقیق از استعداد و ظرفیت‌های سلامی و سده به خواف اعزام شده بود. تا اوایل ۱۳۰۳ ش. و نزدیک به برداشت محصول آن سال در سلامی و سده اقامت کرده بود. قبل از اینکه محصول تحت نظر و مراقبت مفتش جمع‌آوری شود، برای انجام مأموریت دیگری به تربت حیدریه احضار می‌شود. مأمور مذکور گزارشی از نتیجه رسیدگی، مطالعه و مشاهدات خود نوشته بود (ساکما، سند شماره ۴۶ و ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۲۳).^۱ در گزارش مذکور سلامی از حیث موقعیت و آب و هوا جزو

۱. گزارشی که میرزا حسن خان مفتش «مفتش مالیه ایالتی» در ۱۵ تیر ۱۳۰۳ و خطاب به «پیشکاری کل ملیه خراسان، سیستان، قائنات» ارائه داده است، درباره سلامی و سده در سال ۱۳۰۳ ش. بوده است. گزارش مذکور هم از لحاظ ظاهری، هم محتوایی، گزارشی جامع و مانع از لحاظ گزارش نویسی تلقی می‌شود. از لحاظ ظاهری گزارش را به ۴ قسمت تقسیم کرده

نقاط گرمسیر محسوب است و هوای آن برای تربیت محصولات گرمسیری بی‌اندازه مساعد توصیف شده است (ساکما، سند شماره ۲۳۸۶۵/۷۲/۲۴۰۰). در سندی دیگر و ذیل «کیفیت اراضی» به توصیف استعداد اراضی سلامی پرداخته و نوشته است که اراضی سلامی از هر حیث برای زراعت مرغوب و شایسته است. این قریه تقریباً دارای چهار فرسخ اراضی دایر و قابل کشت و زرع است که می‌توان به ده آیش کاشت. اراضی مزبور مسطح و زحمت زارعین را از حیث مرز بستن جهت آبیاری بی‌اندازه تخفیف داده است (ساکما، سند شماره ۶۶ تا ۲۳۸۶۵/۹۰/۲۴۰۰). اراضی اطراف قلعه^۱، به ملاحظه ابنیه مخروبه قدیمه دارای رشوه^۲ و کود زیاد برای اقسام زراعت مستعد است. اساساً اراضی سلامی از هیچ حیث نواقصی ندارد و همان استعداد زمین است که این محصول به دست می‌آید. زارعین در رشوه و سایر تدابیر معموله به هیچ وجه زحمتی ندارند (ساکما، سند شماره ۲۳۸۶۵/۶۷/۲۴۰۰).

گزارشگر، اطلاعات دست اولی را در ذیل سده، همچنین، درباره زمین‌های زراعی، آب سده، جنگل و مراتع آن داده است. با این تأکید که قریه سده از حیث موقعیت و تأثیر آب و هوا، مشابه سلامی است. منبع آب سده، آب کوه است که به‌طور دائمی جاری و از این حیث به سلامی ترجیح دارد (ساکما، سند شماره ۲۳۸۶۵/۷۲/۲۴۰۰). در ذیل مطالعات راجع به استعداد زراعتی قریه سده، منال خالصگی و مالیات رعیتی، بخشی دیگر از استعدادهای و ظرفیت‌های سده را نوشته است: «... نظر به اینکه قریه سده از حیث آب مطمئن‌تر و در موقع نسق^۳ از این بابت در مضیقه

و با یک خاتمه و ضمیمه پایان داده است. هر قسمت را به قسمت‌های مختلف تقسیم کرده و ذیل هر کدام توضیحات دقیق و درستی که از مشاهدات خود، تحقیقات میدانی، گفتگو با افراد محلی و کسب اطلاع از ادارات به دست آورده، ارائه داده است. درنهایت ذیل «خاتمه» پیشنهادات در موضوع مالیات سلامی و سده» را ارائه داده است. در آخر ضمیمه‌ای هم دارد. در تاریخ مورد بحث یعنی یکصد سال پیش چنین جامعیتی در گزارش نویسی کمتر سراغ داریم. همچون یک فرد دانشگاهی و تحصیل کرده و روشمند گزارش را ارائه کرده است. برای آگاهی از پختگی گزارش، قسمت اول و دوم که به سلامی و سده جداگانه پرداخته است، هر قسمت خود نیز زیر مجموعه‌هایی دارد که بر اساس آن مطالب را گزارش داده است که در اینجا تقسیم‌بندی سلامی را عیناً می‌آورم؛ قسمت اول: ۱. وضعیت قریه سلامی، ۲. توضیحات راجع به عایدات سده ماضیه، ۳. توضیحات راجع به عواید سنوات گذشته و ۴. مطالعات راجع به استعداد زراعتی منال خالصگی و مالیات رعیتی (ساکما، سند شماره ۶۶ تا ۲۳۸۶۵/۹۰/۲۴۰۰).

۱. همان کوشک سلامی است.

۲. rashveh: کود، آنچه به زمین دهند تا قوت گیرد.

۳. نسق از نظر اصطلاح، عبارت است از حق کشاورزی برای کشت روی زمینی که مالک آن دیگری است.

نیست، استعداد زراعت مهمی را دارد و اگر ضبط و ربط آنجا تحت سرپرستی شخص با کفایت امینی باشد، ممکن است محصول عمده از آنجا برداشت نمود» (ساکما، سند شماره ۸۱/ ۲۳۸۶۵/۲۴۰۰).

اسناد موجود، همچنین منابع محلی، آب کافی، زمین مرغوب، هوای مساعد و مردم زحمت‌کش و قانع این دو منطقه را از امتیازات منطقه شمرده‌اند و براساس این امتیازات، منطقه سلامی و سده را آماده بهره‌برداری و تولید محصولات گرمسیری گزارش کرده‌اند؛ امتیازاتی که ارباب جمشید، قوام‌السلطنه و دیگر ملاکان، زمین‌داران و اربابان را برای داشتن آن املاک ترغیب می‌کرد و این یکی از دلایل خریداری و توجه صراف بزرگ به املاک منطقه است. هر جا که ملک مرغوب و آب کافی باشد پس درآمد خوب و سودآوری خواهد داشت. چیزی که یک صراف و تاجر دنبال آن بوده و هست.

حق آب سلامی

اهمیت آب و ارزش حیاتی آن، بویژه در مناطقی مثل خراسان، بررسی موضوع آب و حق و حقوق مترتب بر آن در دو منطقه سده و سلامی را ضروری می‌نماید. اسناد مورد استفاده در این مقاله، نشان می‌دهد آب رودخانه‌ای که از سده گذشته و مزارع سلامی را مشروب می‌کرد، از نظر مقدار و میزان استفاده، مورد اختلاف و نزاع اهالی بوده است. استشهادهای موجود از افرادی که در سال ۱۳۲۸ق. نامشان نوشته شده، چنین حکایت می‌کند که از ایشان خواسته شده است درباره حق آب سلامی از رودخانه سده اظهار نظر کنند. نامه متقدم، نامه‌ای است رسمی و دولتی به تاریخ ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق. نمره ۳۴۳ با مهر و امضای نجدالسلطنه و خطاب به حکومت خواف.

قبل از طرح نامه باید بدانیم علل توجه و دخالت مسئولین حکومت در قضایای حق آب و مسائلی از این دست، متأثر از کاهش تولید محصول و در نتیجه کاهش درآمد مالیاتی بوده است (ساکما، سند شماره ۱۶ و ۱۷/ ۲۳۸۶۵/۲۴۰۰). نامه دستوری نجدالسلطنه به حکومت خواف عبارت است از: «حکومت خواف، به موجب دستخط صادره از مقام منبع ایالت جلیله مورخه ۱۵ حمل مطابق ۲۴ شهر جاری، یک ثلث از آب رودخانه سده همیشه اوقات به سلامی می‌رفته و حق سلامی است؛ مع هذا حکومت خواف باید کماکان یک ثلث آب مزبور را قدغن نماید که اهالی سده مانع نشده به سلامی برود که باعث نقصان به زراعت آنجا نشود و بتوانند از عهده یک هزار و ده خروار جنس

مالیات آنجا [برآمده] یا مبلغی نقد بپردازند، نجدالسلطنه» (اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۶۰/۴).

سه سال پس از نامه فوق، دو استشهادیه مربوط بهسال ۱۳۲۸ق. نشان می‌دهد اختلافات حل نشده است؛ اولی با این مضمون که: «خدمت جنابان... جناب حاجی عبدالحسین آخوند و جناب مستطاب حاجی علی‌اکبر انیس‌التجار و جناب مستطاب حاجی آقا محمد و جناب حاجی محمدابراهیم زحمت داده عرض می‌شود معین فرمایند در زمانی که حضرت اجل اکرم آقای سعیدالسلطنه آمدند به خراسان و خواف و سلامی را با شماها در گفتگوی اجاره بودند آیا ثلث آب رودخانه سده که مشهور به [ناخوانا] است متعلق به سلامی بوده است یا خیر. دو کلمه اطلاع و شهادت خودتان را مرقوم فرمائید که محل حاجت است. عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد شد. فی شهر صفر ۱۳۲۸» (اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۶۰/۳). افراد مذکور در اول نامه و در حاشیه، موضوع حق آبه سلامی را نوشته و مهر کرده‌اند. استشهادیه بعدی با همان متن قبلی و خطاب به آقای حاجی آخوند، به تاریخ صفر ۱۳۲۸ق. نوشته شده است و حاشیه آن ممهور به مهر علما و مطلعین است. این فقره شکایت سده‌ای‌ها از سلامی بوده که آب را زیادی استفاده کرده‌اند و به سهم خود قانع نیستند (اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۶۰/۱).

به همین صورت نامه‌نگاری و جمع استشهادیه با تأیید علما و بزرگان وجود دارد. بعضاً سلامی‌ها از سده‌ای‌ها شکایت می‌کنند و بعضی موقع سده‌ای‌ها از سلامی‌ها که «... حضرات سلامیه‌ای از حق آبه خود زیادی می‌برند و جناب مستطاب، [شخص] امینی از طرف خودتان معین نموده عازم رودخانه در سر^۱ قرارداد که آب رودخانه را مقسم نمودند که طرفین از حق یکدیگر اجحاف نمایند...» (اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۵۸/۲).

این مکاتبات و شکایات به مرکز و ایالت هم رسیده بود. نامه‌ای با سربرگ وزارت داخله و ایالت خراسان و سیستان که تاریخ ۱۵ فروردین ۱۲۸۹ مطابق با ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ و مهر رکن‌الدوله را دارد، خطاب به حکومت خواف و حالت دستور دارد: «به‌موجب یک طغرا استشهاد و ممهور به مهر علما و اعیان و مطلعین اهالی خواف و کسانی که در خواف حکومت کرده‌اند، یک ثلث از آب

۱. به نظر در مکان یا محل تقسیم آب که قرار می‌گذاشتند و آب را تنظیم و بر اساس آن عمل می‌کردند.

رودخانه سده همیشه اوقات به قریه سلامی می‌رفته و حق سلامی است و غیره متعرض نشوند و به سلامت آب مزبور به سلامی برود که موجب نقصان [مالیات] سلامی نشود» (اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۶۰).

سرانجام گزارش میرزا حسن خان مفتش مالیه ایالتی در ۱۵ تیر ۱۳۰۳، خطاب به پیشکاری کل مالیه خراسان و سیستان و قائنات، سهم هر طرف را به صورت قطعی مشخص کرده‌است. ضمن اینکه منبع آب، بند سلامی، قنات‌های سلامی و نواقص و ایرادات آن‌ها به دقت توضیح داده شده‌است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۶۶). غیر از آب، بند و قنات مذکور «قریه سلامی ذی حق است که در برج جوزا^۱ یک ثلث از آب سده بگیرد و این ترتیب مطابق رسوم و قراردادهای قدیمه مابین این دو ملک معمول بود و حق ثابت لایتگیری است که در کلیه قبالات و نوشتجات سلامی مقید و مصرح است» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۶۷).

درآمد و مالیات سلامی و سده طی سال‌های مورد بحث

نظام اقتصاد سنتی دوره قاجار، منابع درآمدی محدودی داشت. منابع مهم عایدات دولت ایران عبارت از وجوه نقدی و جنسی بود که از طرق مختلف عاید خزانه یا دیوان می‌شد. اقتصاد کشور بر پایه مالیات مستقیم و غیرمستقیم استوار بود (احمدی، ۱۳۵۰: ۱۰۸). درآمدهای دیگر دولت‌های قاجاری؛ به مالیات بر تجارت و بازرگانی و گمرکات کشور وابسته بود. مالیات بر اراضی و تولیدات یکی از منابع عمده درآمد اقتصاد دوره قاجار بود. غیر از درآمد گمرکات که در حقیقت در رهن قروض خارجی بود، منابع دیگری هم از قبیل پست و تلگراف، تذکره، رسومات، تریاک، ذبایح و غیره وجود داشت؛ ولی درآمد از این منابع اهمیت زیادی نداشت و غالباً تکافوی حقوق اداری را که مأمور وصول آن بودند نمی‌کرد (شوستر، ۱۳۶۲: ۱۵).

ارباب جمشید که در کنار امور صرافی، در املاک و ملک‌داری هم فعالیت داشت، دارای املاک بزرگ و وسیعی در تهران و ایالت‌ها و شهرهای مختلف بود؛ از جمله در مناطق یاخچی‌آباد، امیرآباد،

شمس‌آباد، باغ نظمیه، یخچال‌های شخصی و قنات‌های صفرآباد، قنات وزیری، باغ دکاکین پرنس-دادیان قلهک در تهران و قریه عزیزآباد کرمان، قریه‌های رامشان، خروان وسوس قزوین، آلماجیق قوچان، سلامی و سده خراسان و نقاط دیگر (ساکما، سند شماره ۱۶ و ۲۵ / ۲۴۰۰۷۲۹۹۳). این حجم از املاک و گردش مالی تجارتخانه جمشیدیان، ارباب جمشید را یکی از پرداخت‌کنندگان اصلی مالیات دوره قاجاری کرده بود.

در بخش دوم اسناد مورد بررسی، ذیل سده و سلامی، «قروض ارباب جمشید به بانک شاهی» مطرح شده است. مطابق گزارش شماره ۲۱۶۵۷ مورخه ۳۱ آبان ۱۲۹۳ خزانه‌دار کل (مسیو للو)، ارباب جمشید با بانک شاهنشاهی حساب جاری داشته که در ۲۰ مارس ۱۲۹۱/۱۹۱۲ ش. / ۱۳۳۰ ق. مبلغ ۹۵-۸۶۰۱۵۸ قران بدان بانک مقروض بود. شش ماه پس از این تاریخ، بانک علاوه بر مبلغ مذکور، ۹۴۴۰۰۰ قران اعتبار به ارباب داده و نهایتاً در ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۲ مبلغ ۸۰-۱۸۰۴۶۳۶ قران به بانک شاهی مقروض می‌شود. فرع یا ربح مبلغ دریافتی بانک از ارباب از قرار صدی شش بوده است که در مقابل این قرض، ارباب جمشید قباجات املاکی را وثیقه قرار داده بود. بانک شاهی ۱۰ مورد ملک را، از جمله سلامی خواف که در قبال ۴۰۰۰۰۰ قران در وثیقه بود، با مبالغ آن‌ها نوشته است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۷) پس از اینکه سلامی در وثیقه بانک شاهی قرار گرفت و مرنارد تعهد پرداخت آن‌ها را به‌عنوان خزانه‌دار کشور پذیرفت و بر اساس محتوای نامه‌ها مسئولیت پرداخت آن را به گردن دولت گذاشت (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۵) پای دولت به مالیه و مالیات سلامی و سده باز شد. به این دلیل که قرض ارباب جمشید و پرداخت آن را که از سال ۱۲۹۱ ش. / ۱۳۳۱ ق. ورشکست شد، خزانه‌دار متعهد شده بود؛ این در حالی بود که املاک روستاهایی چون سلامی تا سال ۱۲۹۷ ش. در اختیار ارباب جمشید ماند و تا قبل از تصرف مجدد دولت، اداره امور آن املاک با ارباب جمشید بود و مباشرین او آن‌ها را اجاره داده بودند. «... دولت از سنه توشقان‌ئیل اقدام به وصول عایدات آن نمود تا میزان یونت ئیل ۱۲۹۷ ش. که سلامی را ارباب جمشید به قوام‌السلطنه فروخته. از آن تاریخ تاکنون [۱۳۰۷ ش.] در تصرف کارکنان معزی‌الیه (قوام‌السلطنه) است» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۲۳).

در تلگراف پیشکار مالیه خراسان از مشهد به وزارت مالیه تهران به نمره ۱۳۰۷۵ و به تاریخ ۸ فروردین ۱۲۹۹ ش. گزارش شده است که: «... سلامی واقع^۱ در خواف از لوی ئیل تا آخر اسفند یونت ئیل که به واسطه تقبل بدهی های ارباب جمشید در تصرف اداره مالیه بوده است، بابت مال الاجاره سه ساله بعد از وضع سالی، صد تومان خرج قنات، یازده هزار و چهارصد تومان وصول شد، هفت هزار و هشتصد تومان باقی مانده است» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۳۶). پیرو سند مذکور و در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۲۹۹ با نمره ۴۲۷۷، مجدداً گزارش پیشکار مالیه خراسان موضوع مذکور را تأیید کرده و علت عدم وصول را بهانه جویی های مستاجرین ارباب جمشید عنوان کرده بود؛ «اینکه آقایان امین التجار و وکیل التجار به عذر نرسیدن آب سده و غارت سلامی ئیلان - ئیل و خشکسالی سنه مزبور، مدعی هستند نکث عمده در محصول به هم رسیده و خسارات زیاد به ایشان وارد شده است و به این واسطه تقاضای تخفیف می نمایند. در حالی که موافق اجاره به هیچ عنوان حق تقاضای تخفیف ندارند» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۹۲). قوانین مالیاتی موجود بین دولت و صاحبان املاک چنین ایجاب می کرد که حتی در مواردی هم که به علت خشکسالی یا بروز آفات ارضی و سماوی، خساراتی متوجه محصول ده و یا بلوک می شد، جز در مواردی که قسمت اعظم محصول از بین می رفت، پرداخت مالیات مقطوع و اجباری بود (شوستر، ۱۳۶۲: ۱۲). مکاتبات کماکان ادامه پیدا کرد و طرفین به خواسته های خود اصرار ورزیدند. در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۰۱ با شماره ۱۳۲۵۲، از نامه دایره وصول اداره کل مالیات مستقیم به اداره مالیه خراسان استنباط می شود: «در تعقیب نامه مورخه ۱۹ مرداد سنه ماضیه تخاقوی ئیل، راجع به تقاضای مالیاتی قریه سلامی و سده ... تا آن موقع و در اجرای حکم نمره فوق از آن اداره راپورت به وزارت مالیه نرسیده بود؛ معلوم نیست در تسویه عمل مالیاتی آنجا چه اقدامی نموده اید. به هر جهت چون فعلاً ارباب جمشید مالک سابق قراء مزبور^۳ تقاضا دارد در مرکز بدهی خود را تسویه و تفریغ نماید، لازم است صورتی از عایدات سه ساله املاک مزبور که در تصرف ارباب - جمشید بوده است، صریحاً تهیه و به مرکز ارسال دارید تا در تسویه عمل مالیاتی آنجا از روی

۱. در همه اسناد کلمه واقعه نوشته اند.

۲. در اکثر نامه ها هر دو شکل تصفیه و تسویه را نوشته اند.

۳. در سند «مزبوره» نوشته اند.

بصیرت اقدام شود» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۱۸۴). در پاسخ به نامه فوق، پیشکار مالیه خراسان در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۰۱ با شماره ۱۱۹۷ خطاب به اداره کل مالیات مستقیم می‌نویسد: «راجع به قراء خالصه انتقالی سلامی و سده محترماً معروض می‌دارد، اولاً قریه سلامی در سنوات لوی‌ئیل، ئیلان‌ئیل و یونت‌ئیل از طرف ارباب جمشید به اجاره حاجی امین‌التجار و وکیل‌التجار تربیتی داده شده بود و مشارالیهما مالیات آنجا را وصول کرده‌اند؛ بنابراین برای اداره مالیه ممکن نیست بتواند عایدات حقیقی سنوات فوق‌الذکر را تعیین نماید. لیکن مال‌الاجاره سه‌ساله قریه مزبور مبلغ نوزده هزار تومان بوده است ولی مستأجرین به دلیل خشکسالی و نرسیدن آب سده به سلامی مبلغ ۷۸۰۰ تومان از بابت مال‌الاجاره سنوات ئیلان‌ئیل و یونت‌ئیل و [لوی‌ئیل] را تاکنون نپرداخته‌اند. تحقیق عایدات سه‌ساله از مستأجرین سابق هم صرفه برای اداره ندارد. برای تفریغ محاسبه ارباب جمشید بهتر این است مال‌الاجاره‌ای که در زمان تصدی دولت، تعیین شده بود مآخذ قرار داده شود. ثانیاً قریه سده مربوط به ارباب جمشید نبوده است» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۱۸۲).

مطالبه مالیات سلامی و سده و اختلاف در مقدار آن کماکان ادامه پیدا کرد. اسناد سال‌های بعد حاکی از پیگیری اداره کل عایدات و پاسخ پیشکار مالیه خراسان درباره مبلغ مانده مالیاتی سال‌های مورد نظر است. پیشکار مالیه خراسان و سیستان در تاریخ ۱۳۰۵/۸/۱۵ درباره مالیات باقی‌مانده می‌نویسد: «در تعقیب مرقومه نمره ۱۸۵۲۰ مورخ ۱۳۰۵/۷/۱۹ راجع به موضوع ۷۸۰۰ تومان درباره باقی مال‌الاجاره قریه سلامی محترماً بعرض می‌رساند که مبلغ مزبور بابت بقیه مال‌الاجاره سنوات ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷ قریه خالصه انتقالی سلامی است که ارباب جمشید به آقایان امین‌التجار و وکیل‌التجار به اجاره واگذار نموده بود. از این مبلغ ۴۹۰۰۰ قران به عهده حاج امین‌التجار نماینده تربت و ۲۹۰۰۰ قران به عهده حاج وکیل‌التجار می‌باشد. راجع به کلیه بدهی‌ها مطالبی نوشته و با عطف توجه به مندرجات آن از اداره کل عایدات می‌خواهد دستور مقتضی راجع به مبلغ فوق (۷۸۰۰ تومان) مرحمت فرمایند که به این کار خاتمه داده شود» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۶۰). به نظر پیشکار مالیه خراسان محدودیت یا معذوریتی داشته‌است؛ چه با طرح نامه‌ها و خواسته‌های مستأجرین و تأکید بر مسائلی چون: خشکسالی، ناامنی و غیره موضوع تخفیف مالیاتی مورد نظر آن‌ها از املاک سلامی و سده را منتقل می‌کرد تا مماشات نماید

یا پرداخت مبلغ مالیات را به امروز یا فردا بگذارند؛ اما اداره محاسبات کل ضمن پاسخ به امکان یا عدم امکان تخفیف، بر پیگیری مطالبات و وصول آن تأکید داشته است. «بخش وظایف» اداره محاسبات کل هم در تاریخ ۱۳۰۵/۱۰/۱۱ خطاب به اداره عایدات داخلی به گزارش شماره ۲۸۴۷۶ مورخه ۱۳ آبان اداره مالیه خراسان به بدهی امین‌التجار و وکیل‌التجار بابت مال‌الاجاره سال‌های ۱۲۹۷/۹۶/۹۵/۹۴ قریه سلامی اشاره و اینکه مدیون مانده‌اند، نوشته است: به قرار راپورت فوق - الذکر علت عدم وصول مبلغ مزبور و عدم تسویه آن محاسبه معوقه دعاوی است که مستأجرین بابت حق‌آبه سده^۱ و خشکسالی و غیره می‌نمایند. چون خشکسالی بوده و آب هم نرسیده‌است، مالیات سال‌های مورد نظر را نپرداخته‌اند. اداره مالیه خراسان در این موضوع و راجع به بقایای مالیاتی دیگر اشخاص مذکور گزارش به مرکز داده و براساس آن نامه، برای تسویه معوقه مزبور دستور می‌خواهد. چون برای تخفیف مالیاتی مسئولیت با آن اداره است و مال‌الاجاره سلامی هم به خزانه دولت مربوط است بدین لحاظ به اداره مالیه خراسان برای وصول معوقه و تسویه محاسبات دستور فرموده از نتیجه، اداره محاسبات کل را هم مستحضر فرمایند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۶۴).

برای وصول مالیات چه به صورت نقدی یا جنسی که در دوره قاجار مرسوم بود، از جمله مالیات سلامی و سده، مکاتبات زیادی وجود دارد. این مکاتبات و اصرار و پیگیری برای وصول آن در سال‌های مورد نظر، وضع نه‌چندان خوب خزانه را نشان می‌دهد. غیر از این، دولت درآمد چندانی دیگری هم نداشت. روی این اصل، نامه و تلگراف پشت سر هم نوشته شده است. باز تلگرافی از مشهد به تهران وجود دارد که مخاطب اداره کل عایدات داخلی وزارت مالیه است. این تلگراف که تاریخ مهر ۱۳۰۲ را دارد، راجع به مالیات سلامی و سده نوشته‌اند: «... قسط دو سال بقایا و منال امسال املاک مزبور که از حاج غلامرضاخان (سبزواری) مطالبه شده، عایدات امسال (۱۳۰۲) املاک را ۵۵۰ خروار گندم و ۲۰۰ خروار جو اعلام کرده است؛» اما در ادامه ابتهاج‌السلطان از «عدم پایبندی به قرارداد نوشته است و از تهران خواسته که سریعاً تکلیف را معلوم نماید» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۳۳). باز در مهر ۱۳۰۲ وزارت جنگ، نامه‌ای به ریاست کل

۱. در سند «سه ده» نوشته‌اند. اصولاً در نامه‌ها به دو صورت سه ده و سده نوشته شده است.

مالیه نوشته است که نشان می‌دهد؛ محصول و غلات املاک قوام‌السلطنه توقیف شده بود و درخواست کرده «برای اینکه تأخیری در حرکت ایشان حاصل نشود، مقتضی است توقیف را از غلات ایشان بردارند» (ساکما، سند شماره ۲۳۸۶۵/۱۲). پیش از این، عمیدالسلطنه خطاب به ماک کوماک^۱ در تاریخ ۴ ذی‌قعدة ۱۳۴۲ نوشته بود که قوام‌السلطنه موقع مسافرت تسویه مالیات سلامی و سده را به او محول کرده است. «بنده هم نظر به اعتمادی که به آقای رئیس کل مالیه^۲ و جنابعالی داشتم که جز انصاف و عدالت نظری نداشته و از هرگونه تمایلات سیاسی مبری هستی^۳ قبول نمودم. اینک اطلاع می‌رسد مأمورین مالیه به‌عنوان مالیات ملک را توقیف و ضبط نموده‌اند» (ساکما، سند شماره ۱۰ و ۲۳۸۶۵/۱۱). سپس درخواست وقت ملاقات می‌کند. عمیدالسلطنه نامه دیگری به تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۰۲ به ماک کوماک نوشته و از قول قوام‌السلطنه اظهار داشته بود که سابقاً راجع به مالیات سلامی و سده با وزارت مالیه دمخور شده و بعد قرارداد مزبور را از طرف وزارت مالیه لغو کرده‌است «خواهشمندم دستور دهید به سابقه و دوسیه رسیدگی کامل و دقیقی به عمل آورند و از وضعیت مالیات این ملک که اول چه مبلغ و مقدار بوده و بعد از انعقاد قرارداد چه دریافت می‌داشته‌اند و به چه علت آن قرارداد را لغو کرده‌اند و حالیه چه مبلغ و مقدار دریافت می‌دارند، راپورت تهیه کرده ارسال دارند تا اقدام مقتضی شود» (ساکما، سند شماره ۲۳۸۶۵/۴۲). این قرارداد که نمونه بارزی از مالیات نقدی و جنسی در دوره قاجار است با اندک تفاوتی در اسناد مختلف چنین نوشته شده است:

۱. آقای قوام‌السلطنه ملتزم می‌شوند که مالیات املاک سلامی و سده خودشان را واقع در خراسان از سال ۱۳۰۲ به بعد به شرح زیر پرداخت نمایند:

سلامی ۲۴۶۵/۳۰ قران	۱۰۱۰ خروار غله	۱۰۱۰ خروار کاه
سده ۱۳۱۰/۲۰ قران	۴۷۰ خروار غله	۴۰۰ خروار کاه
جمع ۳۷۷۵/۵۰	۱۴۸۰	۱۴۱۰ (ساکما، سند شماره ۴ و ۲۳۸۶۵/۳۴).

۱. Colonei mac comak ماک کوماک که در اسناد املائی آن را به صورت‌های مختلف نوشته‌اند، یکی از افراد هیئت میلسیو در ایران بود. این شخص طی قراردادی برای سروسامان‌دادن به وضعیت مالیاتی ایران به استخدام دولت ایران درآمد... «پس از آمدن میلسیو به ایران این اداره (اداره خواروبار وزارت دارایی) زیر کنترل یک امریکایی، کلنل مک کورمک قرار گرفت (جونز، ۱۳۹۳: ۲۵۰).

۲. میلسیو.

۲. علاوه بر مالیات سال ۱۳۰۲ ش. قوام السلطنه تقبل کرده نصف بقایای مالیاتی سنواتی خودشان را در سال ۱۳۰۲، نصف دیگر را در سال ۱۳۰۳ ش. پرداخت نمایند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۷۶۵/۱۶۹).

۳. وزارت مالیه قبول می کند احکامی که سابقاً راجع به تعیین و تغییر میزان مالیات قراء اسلامی و سده شده است، فقط نسبت به مالیات‌های معوقه تا آخر ۱۳۰۱ به موقع اجرا گذارده و از این قرار بقایای سنواتی این دو قریه به مبلغ ۶۵۲۸ تومان تعیین می گردد (ساکما، سند شماره ۴ و ۴۳ و ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۱۶۹). در خاتمه قوام السلطنه تقبل می کند در کلیه معاملات نقل و انتقال این املاک مقررات فوق را منظور و رعایت کند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۱۶۸).

بر اساس محتوای اسناد، زمان مکاتبات، سال ۱۳۰۲ ش. است؛ در حالی که به انگلیسی که زیر صفحات آن B.T.O. نوشته شده، با تکرار بخشی از مطالب فوق اضافه شده است: «در سال ۱۲۹۹ ش. مسیو کرنلیوس^۱ پیشکار مالیه خراسان پیشنهاد می کند مالیات هر یک از قراء مذکور، از قرار نصف عایدات متوسط سه سال قبل از آن دریافت شود. در مرداد ۱۳۰۰ پیشنهاد مذکور به موجب حکم شماره ۱۱۶۷۶ تصویب و اجازه داده می شود مالیات املاک مذکور از سال ۱۲۹۸، سالی که قوام السلطنه ارباب بلوک خواف شده است، به بعد به قرار ذیل دریافت شود: قریه سلامی ۲۰۰۰۰۰ قران، قریه سده ۱۲۰۰۰۰ قران» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۵۲). در تیرماه ۱۳۰۲ اداره مالیه خراسان گزارشی ارسال داشته و نوشته است که قرای مذکور استعداد پرداخت تمام مالیات تعیین شده را دارند؛ چنانکه ارباب جمشید مالک قبل قریه سلامی، آنجا را از قرار سالی ۶۷۰۰ تومان اجاره داده بود و در سال ۱۲۹۷ ش. که دولت به مناسبت قروض ارباب جمشید قریه مذکور را در تصرف داشت، برای اجاره اعلان منتشر کرده بود. داوطلب اجاره از قرار سالی ده هزار تومان تقاضانامه داده بود (ساکما، سند شماره ۴۶ و ۵۲ و ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۵۳).

نظر به گزارش و دلایل اداره مالیه خراسان به موجب حکم نمره ۳۶۱۳۷ آبان ۱۳۰۲، دستور داده شد «محاسبات مالیاتی سال‌های ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱، را مطابق حکمی که سابقاً دایر به تخفیف مالیات قراء مذکور صادر شده بود» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۵۳) تسویه

1. Cornelius.

نموده؛ «بقایای مالیاتی مربوط به آن سنوات که بالغ بر ۶۵۲۸ قران مطابق قولنامه آقای قوام- السلطنه بود، در دو قسط و در دو سال ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ وصول نماید» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۵۴).

شکایت از زیادی مالیاتی سلامی و سده در طول ۱۳۰۳ ش. هم ادامه پیدا کرد. در تلگرافی از مشهد به تهران و در تاریخ ۱۳۰۳/۷/۳۰ که به نظر ماک کورمک آن را فرستاده است، مسائلی را راجع به سلامی و سده و در مقام اعتراض به شکایت‌ها پاسخ داده است:

۱. «شکایت مالک در باب برداشت محصول و فروش آن خالی از صحت است. اداره مالیه تاکنون در املاک مذکور مداخله مستقیم نکرده با توافق نظر نماینده مالک برای جلوگیری از فساد و خرابی موجودی انبارها و وصول بقایای نقدی اجناس مزایده اعلان، ولی بر طبق راپورت محلی مباشرین املاک از تحویل به خریدار امتناع نمودند.

۲. تاکنون فقط ۱۵۷۸۷ قران از نماینده مالک دریافت گردید.

۳. عایدات حقیقی سنه ماضیه نامعلوم است، فقط نماینده مالک صورتی داده و مفتش هم از موجودی انبارها صورتی فرستاده است.

۴. به نماینده مالک اخطار شد حسب وعده مباشرین دستور تحویل جنس موجود به خریداران بدهد و الا اداره رأساً اقدام و مطابق سواد نظام‌نامه به نوشتن صورت مجلس مبادرت خواهد نمود» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۳۰۴).

۵. درحالی که در ماه مهر مکاتبه کرده است، نوشته عایدات امسال هنوز نرسیده است.

۶. نماینده مالک اخیراً حاضر شده بود بقایای نقدی ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ را به اقساط یک‌ساله پرداخته، نصف عایدی سند ماضیه و هذه السنه را هم به‌عنوان مالیات بدهد. مشروط برآنکه از املاک رفع توقیف شده و اداره دیگر نظارتی نداشته باشد؛ ولی به مناسبت وصول تلگراف خانم قوام‌السلطنه منصرف می‌شود.

۷. همچنان که طی نامه شماره ۱۴۷۷۸ ریاست کل مالیه نوشته شده، تکرار می‌نماید؛ به عقیده‌ی اداره، املاک مذکور (سلامی و سده) استعداد پرداخت تمام محصول تعیین شده را دارند و مالیات آن‌ها زیاد بسته نشده است. در پایان تلگراف خواهش کرده است تصمیم قطعی راجع به مالیات سال ۱۳۰۲ و سال نوشتن تلگراف (۱۳۰۳) و آینده املاک که احتمالاً سال ۱۳۰۴ مورد نظر است، تصمیم اتخاذ

و ابلاغ (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۳۰۶) فرمایند. در ۱۷ دی ۱۳۰۳ مجدداً ماک کورمک پیشکار کل مالیه سیستان و خراسان نامه به اداره کل عایدات داخلی نوشته و ضمن اشاره به بندهای تلگراف نمره ۱۱۸۰ مورخه ۱۳۰۳/۷/۳۰ (قبلی) و عدم وصول درآمدهای مالیاتی سلامی و سده با تخفیف مالیاتی با این جمله: «چنانچه مکرر عرض نمودم سلامی و سده استعداد پرداخت مالیات تعیین شده را دارد» مخالفت خود را نشان داده است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۴۰).

مالکین و نمایندگانشان برای تخفیف یا کاهش مالیات، استدلال‌های خود را داشتند. پیش از این به خشکسالی، ناامنی، بدی محصول، ضبط املاک و عدم نظارت اشاره شده بود (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۷). اول خرداد ۱۳۰۳ عمیدالسلطنه مباشر قوام‌السلطنه، همچنین همسر قوام‌السلطنه نامه اعتراضی برای میلسپو با اشاره به پرداخت مالیات به موقع قوام‌السلطنه می‌نویسند: «... ضبط املاک موجب خواهد شد که املاک مثل سابق مجدداً خراب شده نصف بهره اربابی آن برای پرداخت مالیات کفایت نکرده به دولت و صاحب ملک خسارت وارد شود. ... اگر امروز ملک قابل تأدیه مالیاتی شده است، به واسطه صرف وقت و مخارج گزافی است که به مصرف آبادی محل رسیده و مسلم است اگر حضرت آقای قوام‌السلطنه مالیات این قبیل را غیرمحدود و غیرثابت می‌دانست تصور می‌کرد که وزارت مالیه از قرارداد خود نکول خواهد نمود، هرگز حاضر برای صرف مخارج گزاف و آبادی این محل نمی‌شد و سرمایه و وقت خود را صرف آبادی نقاط دیگر می‌نمود که به مراتب منافعش زاید بر این محل بود» (ساکما، سند شماره ۷ و ۸ و ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۲۹۵).

مکاتبات و شکواییه‌های مربوط به مالیات تا سال ۱۳۰۶ ادامه پیدا کرد. در تاریخ ۱۳۰۵/۱۲/۷ دایره وصول اداره کل عایدات مستقیم، در پاسخ به اشرف دولو قوامی نوشت: «...راجع به مالیات قریه سلامی، چون قریه مزبور در فرمان انتقال جنس تسعیری دارد... بر طبق مقررات تصویب‌نامه عین جنس مقرر و تعلیمات لازم در این باب به اداره مالیه خراسان صادر شده است. ثانیاً نسبت به قریه سده، نظر به اینکه قبل از ملاحظه فرمان انتقال اتخاذ تصمیم قطعی مقدور نیست، فعلاً دستور داده شد نصف عایدات را به رسم علی‌الحساب بابت مالیات سده مأخوذ دارد. در ادامه از وی درخواست شد اصل یا سواد مصدق فرمان انتقال سده را به اداره عایدات، دایره وصول، ارائه دهند که در اتخاذ تصمیم قطعی تسریع شود» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۴۸).

در مکاتبه تکراری بعدی اشرف دولو قوامی، نکات تازه‌ای مطرح می‌شود؛ از جمله: «... قریه سلامی موقعی که آقای قوام‌السلطنه خریداری نمودند مخروبه بوده و در نتیجه مخارج گزافی که تحمل کرده‌اند تازه شروع به آبادی گذاشته و در این صورت برخلاف انصاف و صرفه دولت است که وزارت جلیله تمام عواید جزو جمعی یعنی تمام عایدات محل را دریافت دارد که اگر چنین بشود مجدداً به صورت اول خراب خواهد نمود... آقای قوام‌السلطنه چندین مزرعه اربابی در آن حدود ابتیاع و ضمیمه سلامی نموده است و اگر حالیه مشاهده می‌شود که این محل عوایدی دارد در نتیجه ضمیمه‌شدن عایدات آن مزارع است». پس از توضیح فوق نحوه محاسبه و دریافت مالیات را پیشنهاد می‌دهد «عمل متوسط سنوات قبل را ممیز بازدید نموده، حد وسط عایدی سلامی و سده را معین نماید. بعد از وضع مخارج اداری نصف آن را برای تعیین مالیات آینده میزان قرار بدهند» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵/۴۴).

علی‌اکبرخان رفیعی که از کارمندان وزارت مالیه بود، گزارش جامعی تهیه و به تاریخ ۱۷ دی ۱۳۰۷ به وزارت مالیه ارائه داده بود که جمع‌بندی اکثر مکاتبات از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۷ شمسی را شامل می‌شد (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳). فصل پنجم گزارش مذکور که عنوان کلی هم دارد از جمله: «وجوه و عواید املاک و دیگر موضوعات مربوط به ارباب جمشید بود که به دولت رسیده بود و بابت هر یک از محاسبات باید محسوب می‌شد و باقی بدهی مشارالیه نسبت به قروض دولتی و بانک که بایستی ضبط گردد» (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۲۹). قسمت اول گزارش راجع به عواید املاک از تاریخ تصرف دولت تا ۵ آبان ۱۲۹۷ در توضیح درآمد و مالیات سلامی به جمع‌بندی گزارش املاک سلامی و سده ارباب جمشید پرداخته است. ملک سلامی را ارباب جمشید طبق یک طغرا اجاره‌نامه مورخه ۲ ذیحجه ۱۳۳۲ ق. از اول مهر ۱۲۹۳ به آقایان علی‌اکبر امین‌التجار تربتی و حاج-آقامحمد وکیل‌التجار یزدی: سال اول شش هزار تومان، سال دوم تا چهارم هر سالی ۶۵۰۰ تومان، سال پنجم تا هفتم سالی ۷ هزار تومان اجاره داده بود. ضمناً شرط شده بود سالی تا مبلغ دو بیست تومان از خودشان خرج تعمیرات کنند و آفت هم از هر قبیل به عهده مستأجرین باشد. سالی هم یکصد تومان ارباب برای مخارج بنایی در خرج مستأجرین محسوب دارد و مقدار یکصد و دوازده خروار گندم و ۲۸ خروار جو هم ارباب جمشید به موجب نوشته جداگانه مورخه صفر ۱۳۳۲ ق. به مستأجرین به‌عنوان بذر داده بود که پس از انقضای مدت اجاره مسترد دارند (ساکما، سند های شماره ۳۰ و

۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳۱). در این بین افراد دیگری هم بودند که مبلغ بالاتر برای اجاره پیشنهاد داده بودند؛ اما اداره مالیه خراسان ترجیح داده بود افراد قبلی کماکان اجاره‌دار باشند. تا سال ۱۲۹۷ در اجاره آن‌ها بود و در سال ۱۲۹۴ مبلغ ۵۹۰۰ تومان، ۱۲۹۵ مبلغ ۶۴۰۰ تومان، ۱۲۹۶ مبلغ ۳۰۰۰ تومان و سال ۱۲۹۷ مبلغ ۲۰۰۰ تومان پرداخته بودند.

در خرداد سال ۱۲۹۷ اداره مالیه خراسان به اتکای خیار فسخی که به ملاحظه نرسیدن اقساط مال‌الاجاره در اجاره‌نامه داشته است، اجاره سابق را لغو و مزایده اعلان نموده بودند. در نتیجه اعلان، حاج علی‌نام‌کازرونی حاضر شده بود سلامی را ۵ ساله به مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان که سالی ۱۰۰۰۰ تومان بشود اجاره کند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳۱). ادامه گزارش و تاریخ‌هایی که نوشته‌اند، به خصوص تاریخ خرید یا اجاره قوام‌السلطنه با این نظر همخوانی ندارد. در سال ۱۳۰۲ ش. مالیه خراسان با امضای مازوره‌ها و ابتهاج‌السلطان به درخواست رییس ایالت وقت تجدید مزایده کرده بود، حداکثر ۵ ساله و در مجموع ۵۰۷۵۰ تومان که سالانه ۱۰۱۵۰ تومان بشود، اجاره به نام سالار مؤید صادر و برای امضای نهایی به تهران ارسال شده بود. رسیدن مزایده در تهران مصادف با انتقال سلامی به قوام‌السلطنه شده بود؛ بنابراین بدون امضا بازگشت داده شده بود (ساکما، پرونده ۲۴۰۰۷۲۹۹۳). بنا به همان گزارش، قوام‌السلطنه پس از خریداری سلامی از ارباب جمشید، سده را هم از سردار نصرت تیموری خریداری کرده و در تملک داشت.^۱ مالیات سلامی مبلغ ۲۴۶۵/۳۰ قران نقد و ۱۰۱۰ خروار غله و ۱۰۱۰ خروار کاه تعیین شده بود و در فرمان انتقال ۵۰۰ خروار غله از قرار خرواری ۳۵ قران تسعیر شده بود و مالیات سده ۱۳۱۰/۲۰ قران نقد و ۴۷۰ خروار و ۴۰۰ خروار کاه بوده است؛ ولی این مالیات از تاریخ خریداری قوام‌السلطنه تا سال ۱۳۰۰ کاملاً پرداخت نشده بود؛ بلکه در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ تحت نمره ۴۳۹۷ مالیه خراسان اطلاع داده بود که والی از بابت مالیات ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ سلامی فقط سالی ۱۲۰۰۰ قران پرداخته است. از اداره تشخیص عایدات با شماره ۳۱۰۸ به تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۰۰ گزارشی به وزارت مالیه داده و تقاضا شده بود؛ مالیات سلامی و سده از قرار تنصیف برقرار شود. از وزارت مالیه در ۲۷ مهر، آقای معتمدالسلطان تصویب و با شماره ۱۱۶۷۶ مورخه ۱۹

۱. این نظر که سده را قوام‌السلطنه از سردار نصرت خریداری می‌کند، فقط در این گزارش وجود دارد؛ مربوط به مالیات سنواتی سال ۱۳۰۲ است (ساکما، سند شماره ۳۱ و ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳۲).

مرداد ۱۳۰۰ به مالیه خراسان حکم در تنصیف صادر کرده بود. مالیه خراسان^۱ همین حکم وزارتی را مآخذ قرار داده بود. براین اساس مالیات سلامی را ۲۰۰۰ تومان و مالیات سده را ۱۲۰۰ تومان تعیین کرده بودند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳۲).

تلگرافی با شماره ۱۴۶۵۷ تاریخ ۴ بهمن ۱۳۰۱ ش. از مالیه خراسان وجود دارد که نشان می‌دهد از مالیات ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ مبلغ ۷ هزار تومان پرداخت نشده است و مباشر ملک اظهار کرده است؛ به آقای رئیس‌الوزرا^۲ مراجعه شود. ظاهراً قدرت سیاسی قوام موجب شده بود از موضع قدرت اظهار نظر کنند چون در گزارش‌های دیگر تعهد قوام‌السلطنه به مالیه وجود دارد که پذیرفته است مالیات سال‌های گذشته را تا دی ماه ۱۳۰۳ پرداخت نماید. پس از مسافرت قوام‌السلطنه، همسرش به وسیله تلگراف خصوصی از بعضی قراردادهای مالیه با مباشر املاک جلوگیری کرده بود. با این حال همیشه این اعمال قدرت وجود نداشت. تلگراف شماره ۳۴۷۳۹ تاریخ ۲۱ دی ۱۳۰۵ و گزارش شماره ۳۸۴۹۸ تاریخ ۷ دی ۱۳۰۵ مالیه خراسان نشان می‌دهد ۶۵۲۸۰ قران باقیمانده را وصول نموده است و نصف درآمد سلامی و سده از ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ عین جنس و مطابق تشخیص مباشر املاک دریافت شده است (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳۲).

در سال ۱۳۰۶ باز تخفیف مالیاتی (تنصیف) رعایت شده بود؛ اما مالک اظهار کرده بود، درآمد ملک کفاف پرداخت مالیات را ندارد به این دلیل و براساس سندی، نماینده مالک اوراق ممیزی را امضا نکرده بود. به این ملاحظه دستور داده بودند مالیات سال ۱۳۰۶ را صدی شصت عایدات به‌طور علی‌الحساب وصول نمایند و از سده هم مطابق حکم نمره ۱۱۶۷۶ (۱۹ مرداد ۱۳۰۰) موقتاً صدی پنجاه عایدات مأخوذ دارند (ساکما، سند شماره ۲۴۰۰۷۲۹۹۳/۳۳).

آخرین تصمیم وزارت مالیه در باره‌ی مالیات سلامی حکم شماره ۴۳۶۷۷ بود. صدور این حکم در تسویه محاسبات ارباب جمشید این‌گونه اعلام شده بود که فقط اجرای ماده اول تصویب نامه نمره ۱۳۰۱ هیئت که آن هم نسبت به سال‌های ۹۵، ۹۶، ۹۷ ش.، که سال‌های مورد درخواست ارباب جمشید بود اجرا شود، ارباب جمشید مبالغی هم دستی بدهکار می‌شود. این گزارش

۱. کرنلیوس

۲. قوام‌السلطنه منظور است.

نشان نمی‌دهد چه رقمی بر پرداخت ارباب جمشید از بابت عایدات سلامی و سده افزوده شده است (ساکما، سند شماره ۲۷ تا ۳۰/۳۰۷۲۹۹۳/۲۴۰۰).

نتیجه

ارباب جمشید تاجر بنام و صراف مشهور اواخر قاجار بود. بیش از دو دهه از اواخر دوره ناصرالدین شاه، بویژه در دوره مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه در اوج قدرت و ثروت بود. با دربار و درباریان روابط گسترده مالی داشت و مورد اعتماد و اعتبار آنها بود. به واسطه ثروت زیاد و مردم‌داری و انجام کارهای خیر و حمایت از مشروطه خواهان و جلب نظر علما؛ به‌عنوان اولین نماینده زرتشتیان و در واقع اولین نماینده اقلیت‌های دینی در مجلس شورای ملی انتخاب شد. تجارتخانه جمشیدیان در سال ۱۳۱۲ق. با دو شعبه تجاری و ملکی رسماً آغاز به کار کرد. در حوزه تجاری شعب مختلفی را در شهرهای تهران، بندرعباس، کاشان، قم، اصفهان، یزد، شیراز، کرمان، سیرجان، رفسنجان، همدان، رشت دایر کرد. همچنین در خارج از کشور و در شهرهای بمبئی، کلکته، پاریس و لندن دفاتری داشت و از طریق آن دفاتر به واردات و صادرات کالا مشغول بود. شعبه ملکی تجارتخانه جمشیدیان سرمایه‌گذاری هنگفتی بر روی زمین انجام داد و املاک و مستغلات گسترده‌ای در شهرها و روستاهای مختلف خریداری کرد. ارباب جمشید روستاهای بسیاری را آباد کرد و همواره چندین ده را در اجاره و مالکیت خود داشت. سرمایه‌گذاری روی املاک و مستغلات در زمان فعالیت تجارتخانه جمشیدیان، یکی از سودآورترین سرمایه‌گذاری‌ها محسوب می‌شد. خریداری سلامی و سده، در ادامه سرمایه‌گذاری‌های جمشیدیان روی املاک و مستغلات در سراسر ایران بود. مجموعه اطلاعات اسناد و گزارش‌های مفتشین مالیاتی، بیانگر این است که سلامی و سده، دارای امتیازات و ویژگی‌های یک منطقه خوب زراعی بودند. هرچند منطقه‌ای گرمسیر و خشک محسوب می‌شدند؛ ولی داشتن رودخانه جاری در سده، چند رشته قنات در سلامی و وجود بند سلامی، موجب ذخیره آب برای ایام تابستان می‌شد و از این آب‌ها برای زراعت و آبیاری و بهره‌مندی از محصول خوب و درآمد کافی استفاده می‌کردند. در کنار این امتیازات، اسناد و گزارش‌ها از داشتن مردم قانع و زحمت‌کش نوشته‌اند که به‌عنوان ممیزه نیروی انسانی مناسب از جاذبه‌ها و سرمایه اقتصادی منطقه و صاحبان املاک سلامی و سده محسوب می‌شدند.

به نظر این امتیازات موجب کثرت ارباب‌جمشید برای سرمایه‌گذاری در منطقه خراسان، از جمله قوچان، سلامی و سده بوده‌است؛ هرچند سندی از مجموعه اسناد مجلس شورای ملی چگونگی و چرایی سرمایه‌گذاری ارباب‌جمشید در منطقه سلامی را گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد؛ اینکه در قبال طلب زیاد، سلامی خوفاً را قبول کرده بود و از مقدار درآمد آنجا اطلاعی نداشته است؛ اما اقدامات ارباب‌جمشید و مباشرین او برای آبادانی سلامی و سده یا اصلاحات در زمین‌ها و املاک و مستغلات منطقه، از اسناد و منابع روشن نیست. برعکس در دوره مالکیت قوام‌السلطنه که از نامه خانم دولو قاجار، همسر قوام روشن است، سرمایه‌گذاری برای اصلاح و آبادانی املاک انجام داده بود. به ادعای خانم قوام در پی این آبادانی و اصلاحات بود که منطقه قابل کشت و سودآور شده بود وی این موضوع را طی نامه‌های متعددی و در اعتراض به زیادی مالیات نوشته بود.

از اسناد موجود مالکیت و اربابی منطقه سلامی و سده تا دهه اول دوره پهلوی اول روشن می‌شود که در منابع تاریخی و منابع محلی چنین اطلاعاتی وجود ندارد. به همین صورت آگاهی از مقدار مالیات و نحوه دریافت آن که به صورت نقدی و جنسی بوده‌است و نبود شیوه ثابت و دقیق مالیاتی در خراسان از پیامدهای بررسی اسناد سلامی و سده و نتیجه این پژوهش بوده‌است. ضمن اینکه گستره ثروت و املاک و مستغلات ارباب‌جمشید را در سراسر ایران، از جمله در خراسان نشان می‌دهد. ارباب‌جمشید در سال ۱۳۲۹ق. به مقدار مالیاتی که برای سلامی و سده در نظر گرفته‌اند اعتراض کرده و نامه اعتراضی به مجلس شورای ملی نوشته است. فحواً نامی و اسناد، مقدار نامتعارف مالیات و عدم انطباق آن با مقدار محصول برداشتی از منطقه را نشان می‌دهد. این ناهمخوانی مقدار مالیات و محصول برداشتی، مأخذ عمده مکاتبات در آن دوره است. از یک طرف مفتشین مالیاتی از حاصلخیزی منطقه و آب مکفی و از توان پرداخت مالیات مقرر نوشته‌اند؛ از طرف دیگر صاحبان املاک و مباشرین از کمی محصول و زیادی مالیات نوشته‌اند. در این دوره، دولت قاجار به کلی از مأخذ صحیح مالیات هر محل که در عرض سال چه مقدار باید وصول شود بی‌اطلاع بوده است؛ بنابراین و براساس دریافت و نتیجه پژوهش حاضر، هرچند اطلاعات دست اولی از مالیات منطقه و مالکیت بر آن روشن می‌شود؛ اما پیریشانی در امور ملکی و مالیاتی منطقه هم کاملاً مشهود است.

منابع

- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل، ایران در صوره الارض*. ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- احراری رودی، عبدالکریم (۱۳۸۴). *خواف در گذر تاریخ*. تربت جام: احمد جام.
- احمدی، محمدحسین (۱۳۵۰). *تاریخ تطور سیستم مالیاتی در دوران شاهنشاهی ایران*. تهران: مؤسسه عالی حسابداری.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳). *المسالك والممالك*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- امینی، تورج (۱۳۸۰). *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۵۵). *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*. تهران: فروهر.
- بامداد، مهدی (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری*. تهران: زوار.
- بی‌نا (۱۳۸۸). "معرفی و نقد مناطق مختلف خراسان (ویژه‌ی خراسان رضوی)". *فصلنامه پاژ*، سال اول و دوم، ش ۵ و ۶ (بهار و تابستان): ۹۷-۱۰۰.
- تازه، مسعود (بی تا). *ارباب جمشید*. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- جعفری، علیرضا (۱۳۸۲). *سلامی در گذر زمان*. مشهد: دامینه.
- جونز، جفری (۱۳۹۳). *تاریخ اقتصادی ایران؛ تاریخچه بانک شاهی در ایران*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، انجمن ایرانی تاریخ.
- جهانشاهی، عبدالعلی (۱۳۳۷). *تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷)*. تهران: بانک ملی ایران.
- خسروی، محمدرضا (۱۳۶۶). *جغرافیای تاریخی ولایت زاوه*. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- رنجبر، عمرانی. "جمشیدیان ارباب جمشید". *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۰: ۱۲-۱۸.
- زارع، اردشیر (بی تا). *خاطرات اردشیر زارع* (نسخه تایپی، کتابخانه اردشیر یگانگی). تهران: انجمن زرتشتیان [چاپ نشده]
- زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم (۱۳۷۰). *تاریخ و رجال شرق خراسان*. مشهد: چاپخانه بهارلو.

- _____ (۱۳۹۳). *با آل مظفر سلاطین برخاسته از خواف*. مشهد: خورشید شرق.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ مهدوی فر، غلامرضا؛ رجبی جنبه‌دراز، سمیه (۱۳۹۳).
"اولویت‌بندی ایجاد تشکل‌های آب برای کشاورزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان سلامی شهرستان خواف)". *راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۱، ش ۱ (خرداد): ۵۷-۶۳*.
- شوستر، مورگان (۱۳۶۲). *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری. با تصحیح و مقدمه و حواشی فرامرز برزگر و اسمعیل رائین. تهران: صفی‌علیشاه.
- شهردان، رشید (۱۳۶۳). *فرزندگان زرتشتی*. تهران: فروهر.
- عاقلی، باقر (۱۳۹۹). *قوم السلطنه*. تهران: جاویدان.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق.)*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فاتح، مصطفی (۱۳۰۹). *پول و بانکداری*. تهران: مطبوعه روشنایی.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان رضوی (۱۳۸۹). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان) (۱۳۸۰). *کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان*. ترجمه کاظم خادمیان. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قدک، عبدالرسول (۱۳۸۴). "حضور بخش خصوصی در نظام بانکی ایران پیش از انقلاب اسلامی". *تحقیقات حقوقی (پاییز و زمستان): ۲۰۵-۲۷۰*.
- مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه احمد منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نمیرانیان، کتایون (۱۳۸۲). *زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز*. تهران: مرکز کرمان‌شناسی.
- هروی، مصطفی (۱۳۳۳). *تحولات قوانین مالیات بر درآمد ایران (از اول مشروطیت تا آخر سال ۱۳۳۲)*. تهران: چاپخانه فردوسی.

اسناد

- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)، سند شماره ۲۴۰۰۲۳۸۶۵: ۱، ۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۵۲، ۵۴، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۶، ۷۲، ۷۵، ۸۱، ۹۰، ۹۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۷۱، ۲۹۵، ۳۰۴ و ۳۰۶.
- ۲۴۰۰۲۶۲۳۳: ۱، ۸۱، ۸۲، ۸۸، ۸۹، ۹۶ و ۱۹۳.
- ۲۴۰۰۷۲۹۹۳: ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۳.
- اسناد خانواده جمشیدیان، سند شماره ۲۱۵۸: ۲ / ۲۱۶۰: ۱، ۳ و ۴ / فایل ۷ / ص ۱۷۰ اسناد: ۹ و ۱۱.